



تهیه شده در:
معاونت اقتصادی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران
خردادماه ۱۳۹۷

بررسی مسائل روز اقتصاد ایران

همکاران این شماره:

گزارش شماره ۱
ناظر: منیره امیرخانلو
همکار: فرناز صفدری

گزارش شماره ۲
ناظر: شیما حاجی نوروزی
همکار: فرناز صفدری

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

- گزارش شماره ۱: اقتصاددان به مثابه لوله کش ۱
- گزارش شماره ۲: آینده پژوهی: اجتناب از آینده‌های نامطلوب، خلق آینده‌های دلخواه... ۱۹

گزارش شماره ۱:

اقتصاددان به مثابه لوله‌کش^۱

خلاصه مدیریتی

از آنجا که اقتصاددانان بازوی دولت‌ها در تدوین سیاست‌ها و مقررات جدید هستند، این امر مسؤولیتی بر دوش آنها قرار می‌دهد که به اعتقاد دوفلو باید در ارتباط با سیاست‌گذاری‌ها به مثابه یک «لوله‌کش» به «جزئیات اجرایی» سیاست‌ها توجه کنند. ذهنیت یک لوله‌کش به گونه‌ای است که باید آنچه در دنیای واقعی می‌تواند جوابگو باشد را پیش‌بینی نماید و سپس به اصلاح و تطبیق آن با شرایط واقعی بپردازد. زیرا مدل‌های نظری نمی‌توانند ما را به طور کامل به چిستی (و چگونگی) اهمیت جزئیات واقف سازند. عبارت استعاری «اقتصاددان به مثابه لوله‌کش» در این مقاله قصد دارد این مفهوم را تبیین نماید که اقتصاددانان در مقام تصمیم‌گیری باید

^۱ گزارش حاضر، به تشریح و تبیین مقاله‌ای از اِستر دوفلو (Esther Duflo) با عنوان *The Economist as Plumber* می‌پردازد. خانم دوفلو، اقتصاددان شهیر فرانسوی-آمریکایی و استاد اقتصاد توسعه مؤسسه فناوری ماساچوست (ام.آی.تی.)، به عنوان برترین اقتصاددان زیر چهل سال آمریکا در سال ۲۰۱۰، برنده مدال جان بیتز کلارک (John Bates Clark Medal) است. او جوایز و افتخارات دانشگاهی متعددی را در کارنامه دارد، از جمله جایزه علوم اجتماعی پرنسس آستوریاس (Princess of Asturias Award)، جایزه اینفوسیس (Infosys Prize) و جایزه بورسیه مک آرتور (MacArthur Fellowship) [۱]. الفاظ استعاری «لوله‌کش» و «لوله‌کشی» که در این مقاله در تبیین نقش حساس اقتصاددانان به کار رفته است، به ظرایف کار اقتصاددان و اهمیت پرداختن به جزئیات در تصمیم‌گیری‌های سیاستی اقتصاددانان اشاره دارد. دغدغه اصلی دوفلو در این مقاله، اثربخش نمودن سیاست‌های اقتصادی در مرحله اجرا است. به همین جهت، همه تأکیدات استعاری او به «چگونگی» انجام سیاست‌ها پیش از «چیستی» آنها دلالت دارد.

به گونه‌ای عمل کنند که گویی به لوله‌کشی اشتغال دارند و قرار است طرح آنها در دنیای واقعی نتیجه‌بخش باشد. این امر در نهایت، به نفع جامعه و رشته اقتصاد خواهد بود.

دوفلو در مقاله خود با اشاره به ماجرای انشعاب آب در یکی از شهرهای مراکش که علیرغم پرداخت وام بدون بهره مورد استقبال شهروندان فقیر قرار نگرفت، می‌نویسد با وجود آنکه افزایش دسترسی شهروندان به آب سالم سیاست صحیحی است، اما رویه‌های اجرایی آن می‌تواند در عمل بازدارنده باشد و سرمایه‌گذاری‌های صورت‌گرفته در زیرساخت‌های مالی و فیزیکی را نیز نابود کند. از اینرو، او چنین استدلال می‌کند که اهمیت پرداختن به «جزئیات» سیاست‌ها نباید از نظر اقتصاددان دور بماند و با همان نگاه تیزبینی که یک لوله‌کش به تمام جزئیات کارش احاطه دارد تا کار او در دنیای واقعی نتیجه‌بخش باشد، اقتصاددان نیز باید سیاست‌گذاری‌های سیاستمداران را بر مبنای تحلیل شرایط واقعی و جزئیات اجرایی آن مورد بررسی قرار دهد [۲].

عقاید دوفلو را در این رابطه می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

(۱) اقتصاد در درجه اول یک ابزار سیاستی است. به عبارتی، نقش اصلی اقتصاددانان، مشاوره دادن به دولت‌ها در تدوین قوانین و مقررات است.

(۲) اقتصاد مجموعه‌ای از گزاره‌های نظری درباره رفتار و تعاملات انسانی که تنها به کار تاریخ و سیاست بیاید نیست. بلکه اقتصاد، روش فنی جهت ساختن و ایجاد چیزها است؛ ولو اینکه غیرکامل و از راه تجربی باشند. برای این منظور، باید بر «جزئیات» متمرکز شد و نگران تصویر کلان نبود [۳].

مارک استبیل^۱ یکی از اساتید اقتصاد دانشگاه اینسیاد، ضمن تأیید نظریه دوفلو می‌نویسد می‌توان فهرست بلندبالایی از سیاست‌های صحیح اقتصادی تهیه کرد که در مقام اجرا عقیم مانده‌اند. او نظر دوفلو را تأیید می‌کند که اقتصاددان صرف‌نظر از طراحی ماشین سیاست‌گذاری باید بر نصب دستگاه در دنیای واقعی تمرکز کند و سپس عملکرد دستگاه را به دقت مورد توجه قرار دهد تا ایرادات احتمالی آن را برطرف نماید. چیزی که دوفلو با وارد کردن روش «سنجش تصادفی کنترل‌شده»^۲ در اقتصاد به آن پی می‌برد، فقدان توجه به قدم نهایی سیاست‌گذاری‌های اقتصادی یعنی اجرای سیاست است. دوفلو با استفاده از استعاره «اقتصاددان به مثابه لوله‌کش» این‌گونه استدلال می‌کند که ملاحظات حیاتی برای کار اقتصاددان را می‌توان به طور استعاری در دو مسئولیت اصلی خلاصه کرد: نخست، «طراحی شیر» و دوم، «چیدمان و استقرار لوله‌ها» اقبال اقتصاددانان

¹ Mark Stabile

² Randomized Controlled Trials (RCT)

رفتاری همچون ریچارد تیلر^۱ و کاس سانستین^۲ به مفاهیمی چون «سقلمه» یا «تلنگر» و معماری انتخاب گویای همین اصل است که اقتصاددانان سعی دارند با تغییر گزینه‌های ارائه‌شده، بدون سلب آزادی انتخاب افراد روی تصمیم‌گیری آنها تأثیر بگذارند. این بخش، همان «طراحی شیر» است. اما «استقرار لوله‌ها» به طور صحیح، بخش دومی است که به اعتقاد دوفلو، اقتصاددان باید از طریق سنجش تصادفی کنترل‌شده انجام دهد. در این روش، افراد به صورت تصادفی به دو گروه یکسان تقسیم می‌شوند. یکی، گروه شاهد (کنترل) و دیگری، گروه آزمایش که در آن، گروه آزمایش متغیر مورد نظر را دریافت می‌کند و نتایج آن با گروه شاهد که متغیری دریافت نکرده است مورد مقایسه قرار می‌گیرد. دوفلو با استفاده از این روش در کشورهای در حال توسعه راه‌هایی برای مؤثرسازی برنامه واکسیناسیون کودکان، کاهش شیوع مالاریا و افزایش مدرسه‌روی کودکان پیدا می‌کند.

دوفلو از سوی دیگر، به طرح‌هایی اشاره می‌کند که ظرایف و ابعاد پیچیده آنها از چشم سیاست‌گذار دور مانده است و به همین دلیل به تجاربی ناموفق تبدیل شده‌اند. تجربه توزیع برنج یارانه‌ای در اندونزی، ابعاد اقتصاد سیاسی و فساد پنهان در این سیاست را که از چشم سیاست‌گذار پنهان مانده بود به خوبی نشان می‌دهد. دوفلو همچنین، از تجربه خود در جلسه‌ای با مسؤولین دولتی بهداشت و درمان ایالت کرالا می‌نویسد که در آن مسؤولین در مورد مؤلفه‌هایی که باید در یک سیاست اصلاحی گنجانده شود یا نشود سردرگم بودند و طرح پیشنهادی آنها از تصاویر آرمانی و غیرواقعی از نیروهای بهداشت و درمان فراتر نمی‌رفت. تصمیم یک‌شبه نارندرا مودی، نخست وزیر هند برای تعویض اسکناس‌های قدیمی و حذف ۸۶ درصد از پول رسمی این کشور از چرخه پولی نمونه دیگری است که به نظر دوفلو بدون تأمل در جزئیات اجرایی سیاست، در عمل زمینه‌ساز مشکلات اقتصادی و اجتماعی فراوانی شده است. در نمونه‌ای دیگر، دوفلو درمی‌یابد اگر فقرا تورهای پشه‌بند را مجانی دریافت کنند از آنها استفاده نمی‌کنند اما وقتی بهایی هرچند بسیار ناچیز بابت آنها بپردازند، از آن استفاده می‌کنند.

دوفلو برای تشریح نظرات خود، به نتایج مشابه مطالعات همکارش بنرجی استناد می‌کند. بنرجی، معضلی بی‌توجهی سیاست‌گذاران به جزئیات را با یک مثال تشریح می‌کند. به اعتقاد او این بی‌توجهی ناشی از عدم توجه به متغیرهای محیطی مهم است. بنرجی و گروهش در اندونزی آزمایشی را انجام دادند که نتیجه آن بیانگر توجه گزینشی کشاورزان جلبک دریایی به متغیرهای محیطی کشت بود. نتیجه این آزمایش در مورد چالش‌های سیاست‌گذاران نیز صادق است. کشاورزان اندونزیایی برای کشت جلبک دریایی از اتصال عمودهایی

¹ Richard Thaler

² Cass Sunstein

به موازات جلبک‌ها در اقیانوس استفاده می‌کنند. مؤلفه‌های بسیاری بر نتیجه این کار اثرگذار است از جمله: طول عمود، فاصله مطلوب بین عمودها، طول مطلوب جلبک و عمود، و قطر عمود. کشاورزان به تمامی این متغیرها توجه ندارند و تنها تعداد محدودی از آنها را رعایت می‌کنند. حلقه بازخوردی این سنجش حاکی از آن بود که اگر کشاورزان کار را با این باور شروع کنند که یکی از مؤلفه‌ها مهم نیست، اصلاً بدان توجه نخواهند کرد و ممکن است هرگز به اهمیت آن پی نبرند [۲].

۱- مقدمه

به اعتقاد دوفلو، به موازات افزایش حضور اقتصاددانان در کنار دولت‌ها در امر تدوین مقررات و سیاست‌های جدید، تصمیمات اقتصاددانان باید بیش از پیش به «چگونگی اجرای» سیاست‌ها معطوف گردد تا «چیستی امور» [۴]. به طور کلی، تصمیمات سیاست‌گذار طیف وسیعی از مردم را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و میلیون‌ها دلار هزینه دربر دارد. به همین دلیل ریسک عدم تحقق آنها بالا است. دوفلو معتقد است اقتصاددانان به دو دلیل باید به جزئیات تصمیمات سیاستی توجه نمایند:

- ۱) سیاست‌گذاران به ندرت زمان کافی یا تمایلی برای بررسی جزئیات تصمیمات خود دارند. به همین دلیل، وظیفه اقتصاددانان تنها ارائه گزارش و واگذاری باقی محاسبات به سیاست‌گذار نیست. اقتصاددان باید علاوه بر ارائه تجویزهای کلی، به جزئیات تصمیم‌گیری‌ها نیز بپردازد.
- ۲) جزئیات به ظاهر بی‌اهمیت در نظر اقتصاددانان، می‌توانند در تأثیر نهایی یک سیاست یا مقرره فوق‌العاده مهم باشند. حتی شاید برخی از ملاحظات نظری که اقتصاددانان نگران آن هستند تا این اندازه مهم نباشند.

دوفلو با هدف تأکید بر اهمیت جزئیات اجرایی در طراحی عملی سیاست‌ها سؤال‌های زیر را مطرح می‌کند:

- آیا هنگام استخدام کارگر برای انجام یک برنامه، تأکید بر دستمزد و چشم‌انداز شغلی موجب جذب افرادی می‌شود که ذهنیت دولتی دارند یا مستعدترین افراد را جذب می‌کند؟

- آیا در مورد سیاست‌های واکسیناسیون و ایمن‌سازی، سیاست‌گذار باید با این پیش‌فرض شروع کند که والدین به طور کامل از هزینه و فایده طرح آگاه هستند یا فرض را بر این بگذارد که شاید اطلاعات ناکافی یا مغرضانه به آنها داده شده باشد؟

- آیا در تدوین سازوکارهای بیمه‌ای در طرح بیمه درمانی اوباما (اوباما کر) یا همان قانون خدمات درمانی مقرون به صرفه^۱، بهتر است برای معرفی گزینه‌های مختلف پوشش بیمه‌ای از اسامی فلزات گرانبها (مانند پلاتین، طلا یا برنز) استفاده شود یا این نوع برجسب‌گذاری موجب سوگیری غیرارادی شهروندان به سمت یکی از گزینه‌ها بیش از دیگری می‌شود؟

پاسخ دادن به این سؤالات در آغاز کار و به‌ویژه در مورد مسائل سیاستی جدید دشوار است. دوفلو به طور استعاری می‌نویسد که اقتصاددانان می‌توانند لوله‌کش‌های خوبی باشند، زیرا توجه به علوم رفتاری، مباحث انگیزش، رفتار بنگاه و فهمیدن دولت به آنها آموزش داده شده است. همه اینها بر بار مسؤولیت اقتصاددانان

¹ Affordable Care Act

می‌افزاید. دوفلو برای پی بردن به مشکلات اجرایی سیاست‌های صحیحی که در مقام عمل ناکام مانده‌اند، برای نخستین بار سنجش تصادفی کنترل‌شده را وارد اقتصاد کرد. دوفلو این سبک آزمایش را که به کمک گروه‌های شاهد (کنترل) و آزمایش انجام می‌شود، با هدف پیمایش جزئیات سیاست‌گذاری‌های اقتصادی به کار می‌گیرد. به اعتقاد او وقتی سیاستی به اجرا درمی‌آید، راه دیگری وجود ندارد تا بتوان سایر روش‌های پیاده‌سازی آن را امتحان کرد، مگر با استفاده از آزمایش‌های تصادفی کنترل‌شده. مزیت دیگر استفاده از سنجش تصادفی کنترل‌شده در اقتصاد، تقید زمانی این گونه آزمایش‌ها است که باید در یک بازه زمانی مشخص از شروع کار تا تهیه گزارش نهایی انجام شود [۲].

پیتر کلاین^۱، اقتصاددان مکتب اتریشی، رویکرد دوفلو در سنجش تصادفی کنترل‌شده را در اقتصاد ارج می‌نهد. اما معتقد است از آنجاکه این روش آزمایش به طور عمده در زیست‌پزشکی و مطالعات بالینی کاربرد دارد؛ آیا می‌توان از آن در اقتصاد بهره برد؟ به عکس دوفلو، کلاین معتقد است این روش سنجش در اقتصاد نمی‌تواند جایگزین نظریه اقتصادی یا شکل‌های متعارف اقتصاد کاربردی شود، زیرا به مشکلات بسیار خرد می‌پردازد. البته، منظور کلاین از خرد، بی‌اهمیت نیست. منظور او این است که این مشکلات به ندرت در اقتصاد راه چاره‌ای فراتر از تجویز مشوق‌ها پیدا می‌کنند [۳].

۲- مثال لوله‌کش و اهمیت پرداختن به جزئیات در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی

در تمامی شهرها سیاست معمول برای افزایش دسترسی شهروندان به آب شرب، ابتدا ایجاد زیرساخت‌های لازم و سپس، نصب شیرهای آب برای دسترسی به آب لوله‌کشی است. اقتصادهای در حال توسعه برای افزایش این دسترسی از پرداخت یارانه نیز استفاده می‌کنند. اما مثال طنجه^۲ چیز دیگری را نشان می‌دهد. در این شهر که سومین شهر مهم مراکش است، در سال ۲۰۰۷ شرکتی که مسئولیت ایجاد شبکه آب و فاضلاب را بر عهده داشت، با اختصاص منابع قابل توجه به ساخت و نصب لوله‌های بزرگ پرداخت و با همکاری سایر نهادها به خانوارهای فقیر وام‌های بدون بهره پرداخت کرد تا هزینه نهایی استفاده از شبکه جدید آب‌رسانی را برای شهروندان فقیر پوشش دهد. اما در کمال تعجب، ضریب دریافت وام بسیار پائین بود (زیر ۱۰ درصد). شهروندان برای درخواست وام باید پس از تهیه اسناد لازم، سفر کوتاهی به اداره شهرداری می‌کردند که در عمل به مانع بزرگی تبدیل شده بود. برای بررسی این مسئله یک تیم تحقیقاتی توسط دوفلو به طنجه اعزام شد و به طور تصادفی به برخی از خانوارها مراجعه شد. اعضای تیم در زمینه رویه‌های اجرایی مثل کپی مدارک و ارسال آنها به شهرداری به خانوارها کمک کردند. پس از این اقدام، درخواست وام و نصب انشعابات به ۶۹ درصد افزایش

^۱ پیتر کلاین (Peter G. Klein)، اقتصاددان مکتب اتریش؛ استاد استراتژی و مدیریت در دانشکده اقتصاد و مدیریت بازرگانی نروژ و همکار پژوهشی کارل منگر (Carl Menger) در مؤسسه میزس (Mises Institute) است.

^۲ Tangier

یافت. در واقع، پس از این تغییرات خانوارهای فقیر توانستند به آب سالم دسترسی پیدا کنند و زمان بیشتری را به کارهای دیگر اختصاص دهند؛ هرچند باید مبلغ بیشتری را در قبض آب خود پرداخت می‌کردند [۲].

۳- چرا اقتصاددانان می‌توانند لوله‌کش‌های موفق باشند؟

به اعتقاد دوفلو، فردی زیرک باید به جزئیات اجرایی سیاست‌گذاری‌ها (آنچه در این مقاله از آن به امور لوله‌کشی تعبیر شده است) بپردازد. قرار نیست تمام اقتصاددانان درگیر جزئیات سیاست‌گذاری‌ها شوند. سیاست‌گذار به مهندس نرم‌افزار، وکیل یا کارشناس حوزه‌های دیگر نیز نیاز دارد. اما اقتصاد تخصص موردنیاز برای پاره‌ای از مسائل بنیادین سیاست‌گذاری‌های عمومی را فراهم می‌کند و بسیاری از جزئیات طرح‌ها اساساً به کار اقتصاددان بازمی‌گردند. سیاست‌گذار به دو دلیل باید در سیاست‌گذاری‌های عمومی به جزئیات طرح‌ها توجه نماید که هر سه این موارد به اقتصاد و اقتصاددانان مربوط می‌شوند [۲].

۳-۱- لزوم توجه به شهروندان: استعاره «طراحی شیر»

ذی‌نفعان احتمالی سیاست‌ها شهروندان هستند که اهدافی متضاد دارند و اطلاعات و قدرت اراده آنها محدود است. اما بیشترین تأثیر سیاست‌ها بر شهروندان جامعه است. بنابراین، هنگام وضع سیاست جدید، لازم است در مورد جزئیات آن در ارتباط با شهروندان فکر شود. برای نمونه، اگر قرار است به خانوارها پول نقد داده شود، باید توجه نمود که پول باید به زن خانوار داده شود یا مرد خانوار. آیا این پول تحت عنوان کمک‌هزینه فرستادن کودکان به مدرسه داده شود یا اینکه خانوارها می‌توانند آن را پس‌انداز کنند. در ادبیات اقتصاددانان رفتاری، این پرسش‌ها در قالب «معماری انتخاب» پاسخ داده شده است. دوفلو از این مباحث تحت عنوان «طراحی شیر» یاد می‌کند که در زیر یکی از نمونه‌های آن تشریح شده است [۲].

۳-۱-۱- اهمیت معماری انتخاب شهروندان: طرح بیمه درمانی اواما

اقبال اقتصاددانان رفتاری همچون ریچارد تیلر و کاس سانستین به مفاهیمی چون «سقلمه» یا «تلنگر» و «معماری انتخاب» گویای این اصل است که اقتصاددانان سعی دارند با تغییر گزینه‌های ارائه‌شده، بدون سلب آزادی انتخاب شهروندان روی تصمیم‌گیری آنها تأثیر بگذارند. سیاست‌گذاران باید به تمام گزینه‌های پیش‌رو فکر کنند. در جعبه‌ابزار لوله‌کش، ابزارهای مختلف برای مشکلات مختلف به کار می‌رود. سیاست‌گذار نیز باید از توسل به راه‌حل واحد برای مشکلات مختلف پرهیز کند. جزئیات یک طرح بیمه درمانی (مانند اواما کر) با همه پیچیدگی‌هایش می‌تواند از طریق تحلیل‌های اقتصادی حل و فصل شود.

در طرح بیمه درمانی اوباما (اوباما کر) یا همان قانون خدمات درمانی مقرون به صرفه، انواع پوشش‌های بیمه‌ای با نام‌های فلزات گرانبها مانند پلاتین، طلا و برنز معرفی شده‌اند. به اعتقاد اقتصاددانان رفتاری، این نوع برچسب‌گذاری به طور غیرارادی موجب سوگیری شهروندان به سمت یکی از گزینه‌ها می‌شود. بنابراین، سیاست‌گذار باید در طراحی سازوکارهای تبادلات بیمه‌ای به جزئیاتی از این دست که در نهایت بر نتیجه طرح اثرگذار هستند توجه نماید. چنین جزئیاتی که دوفلو از آن تحت عنوان «طراحی شیر» یاد می‌کند، به اعتقاد او از طریق تعامل سیاست‌گذاران با اقتصاددانان قابل احصاء است [۲].

۲-۳- لزوم توجه به اجراکنندگان سیاست‌ها: استعاره «چیدمان و استقرار لوله‌ها»

مسئول اجرای سیاست‌های دولت، کارمندان دولت هستند. خود این کارمندان به عنوان ذی‌نفعان نهایی سیاست‌ها، محدودیت‌هایی دارند و ممکن است انگیزه لازم برای تلاش حداکثری در اجرای سیاست‌ها را نداشته باشند. بر همین اساس، مسئله «معماری انگیزشی» برای اجراکنندگان سیاست‌ها مطرح می‌شود. نحوه استخدام، اخراج و پاداش‌دهی به کارکنان دولت موارد اساسی در این حوزه هستند. اجرای هر سیاستی الزاماً در یک سازمان صورت می‌گیرد که این سازمان دارای ساختارهای قدرت و فرهنگ سازمانی مخصوص خود است و این عوامل نحوه اجرای سیاست‌ها را متأثر می‌سازد. نحوه نگارش سیاست و حتی عدم تخصیص مشوق به صورت رسمی، میزان عملیاتی شدن آن سیاست را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. دوفلو از این مباحث تحت عنوان «چیدمان و استقرار لوله‌ها» یاد می‌کند که در زیر یکی از نمونه‌های آن تشریح شده است [۲].

۱-۲-۳- اهمیت معماری انگیزشی اجراکنندگان سیاست‌ها: طرح آموزشی سازمان خیریه غیردولتی هند

بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴، برجی و گروهی از همکاران دوفلو به معماری انگیزشی معلمان در قالب یک برنامه آموزشی اصلاح‌شده در نظام آموزشی دولتی پرداختند. ایده اصلی مداخله آموزشی آنها این بود که کودکان متناسب با سطحی که دارند آموزش داده شوند، نه سطوح تعیین‌شده در چارچوب برنامه آموزشی. سنجش‌های مختلف حاکی از موفقیت اجرای این طرح توسط داوطلبان یا سازمان‌های مردم‌نهاد بود. سازمان خیریه غیردولتی هند، پراتام^۱، که در حوزه آموزش باکیفیت و ارزان‌قیمت فعالیت می‌کند تصمیم گرفت از این شیوه آموزشی استفاده کند. مؤسسه ابتدا به آموزش معلمان برای برنامه موردنظر پرداخت. این برنامه، به عنوان بخش مهمی از سیاست آموزشی هند در ایالت‌های بیهار^۲ و اوتارخند^۳ اجرا شد و گروه برجی به پایش آن طی سال‌های تحصیلی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ و ۲۰۰۹-۲۰۱۰ پرداختند. نتایج پایش مایوس‌کننده بود. علیرغم التزام

¹ Pratham

² Bihar

³ Uttarakhand

معلمان به استفاده از روش جدید، آنها این روش را در کلاس‌های خود به کار نمی‌گرفتند و نمرات دانش‌آموزان نیز افزایش پیدا نکرد. گروه بنرجی با انجام مصاحبه‌های کیفی دریافت که معماری انگیزشی برنامه دچار مشکل است. در واقع، التزام برنامه در سطح کلان، هیچ تأثیری در سطوح اجرایی برای معلمان نداشت. معلمان موظف بودند برنامه آموزشی خود را به اتمام برسانند و انجام فعالیت‌های اصلاحی نظام آموزشی اساساً برای آنها هدررفت زمان تلقی می‌شد.

پراتام برنامه را در ایالت هاریانا^۱ با دو تغییر کلیدی اجرا کرد. نخست، این برنامه به ساعات فوق‌برنامه منتقل شد که از حیث تخصیص زمان جداگانه، کاملاً مسؤولیت معلمان را در قبال اجرای برنامه برجسته می‌کرد. تغییر دوم، استخدام تعدادی نیروی آموزش‌دیده از میان نیروهای دولت بود که باید بر اجرای برنامه توسط معلمان نظارت می‌کردند. با وجود آنکه هیچ تغییری در دستمزد معلمان یا نقش رسمی آنها داده نشد، این دو تغییر موجب شد رویکرد معلمان نسبت به اجرای برنامه به عنوان یک گزینه اختیاری یا بخشی از وظایف آموزشی آنها تغییر کند. آزمایش تصادفی کنترل‌شده این برنامه در ۴۰۰ مدرسه در هند (۲۰۰ گروه شاهد و ۲۰۰ گروه سنجش) مؤید ارتقاء نمره دانش‌آموزان بود [۲].

۴- لزوم توجه به جزئیات اجرایی سیاست‌ها: کاربرد سنجش تصادفی کنترل‌شده در اقتصاد

دوفلو که برای نخستین بار از روش سنجش تصادفی کنترل‌شده در اقتصاد بهره برده است، با کاربرد این روش در کشورهای در حال توسعه به راه‌هایی برای مؤثرسازی برنامه واکسیناسیون کودکان، کاهش ابتلا به مالاریا و افزایش مدرسه‌روی کودکان دست یافته است.

(۱) **دوفلو در طرح افزایش واکسیناسیون کودکان فقیر**، سه نوع اردوگاه ایمن‌سازی را راه‌اندازی کرد. یکی، با جلسات واکسیناسیون ماهانه و قابلیت دسترسی آسان؛ دیگری، با جلسات واکسیناسیون ماهانه با ارائه یک کیلو عدس به ازای هر کودک واجد شرایط؛ و گروه سوم به عنوان گروه شاهد (یا کنترل) که برای مقایسه نتایج سنجش به کار می‌رفت. نتیجه مطالعه دوفلو نشان داد دادن یک کیلو عدس رایگان به والدین، بهترین مشوق برای ایمن‌سازی کودکان در بخش‌های فقیرنشین است.

(۲) **کاهش شیوع مالاریا** طرح دیگری بود که دوفلو با استفاده از سنجش تصادفی کنترل‌شده قصد داشت پی برد آیا مردم فقیر حاضرند برای خرید پشه‌بند پول پرداخت کنند تا از مالاریا در امان باشند یا باید پشه‌بند رایگان در اختیار آنها قرار داده شود. آیا توزیع رایگان پشه‌بند، ممکن است مردم را از خرید آن در آینده بازدارد

¹ Haryana

یا بالعکس، استفاده از آن را در آینده بیشتر می‌کند. آیا بهترین کار برای افزایش استفاده مردم از پشه‌بند و کاهش ابتلا به مالاریا، تخصیص تخفیف‌هایی در قالب اعانه خرید پشه‌بند است؟ نتایج پژوهش حاکی از آن بود که اجبار مردم به خرید پشه‌بند (با هر قمیتی)، به شدت استفاده از آن را کاهش می‌داد. اما اگر به طور رایگان به آنها پشه‌بند داده می‌شد از آن استفاده می‌کردند. در نتیجه، کسانی که پشه‌بندهای رایگان دریافت کرده بودند یک سال بعد نیز مایل به خرید پشه‌بند بودند؛ اما کسانی که مجبور شده بودند حتی به صورت تخفیف‌خورده پشه‌بند خریداری کنند، سال بعد مایل به خرید آن نبودند. در واقع، مردم به دریافت اعانه عادت نکرده بودند، اما به پشه‌بند عادت کرده بودند. در درجه دوم، این فرضیه که توزیع رایگان پشه‌بند مردم را به دریافت رایگان آن برای همیشه عادت می‌دهد تأیید نشد.

۳) در مورد **ترغیب والدین فقیر به فرستادن فرزندان به مدرسه**، دوفلو متوجه شد که توضیح دادن مزایای تحصیل به والدین، مؤثرتر از استخدام معلمان بیشتر، توزیع یونیفرم رایگان، حذف شهریه مدرسه یا غذا دادن به بچه‌ها در مدرسه است [۴].

۵- عدم توجه به جزئیات اجرایی سیاست‌ها: تجربه چند شکست سیاستی

۵-۱- عدم توجه به جزئیات: تجربه توزیع برنج یارانه‌ای در اندونزی

توزیع برنج یارانه‌ای تحت برنامه برنج برای فقرا (یا «راسکین»)^۱ در اندونزی یکی از مطالعاتی است که بنرجه^۲ و گروهش انجام داده‌اند. این برنامه در بُعد نظری به‌گونه‌ای طراحی شده بود که به خانوارهای فقیر واجد شرایط، ماهانه ۱۵ کیلوگرم برنج یارانه‌ای بدهد. این طرح با ۱.۵ میلیارد دلار بودجه سالانه و جمعیت هدف ۱۷.۵ میلیون خانوار، بزرگترین برنامه توزیع یارانه‌ای اندونزی است. اما طرح در اجرا با مشکل فساد روبه‌رو شد. داده‌های مطالعه نشان می‌دهد که خانوارهای مشمول طرح، بیش از چیزی که موظف بودند می‌پرداختند و از سهمیه برنج اختصاص‌یافته نیز کمتر دریافت می‌کردند. تیم تحقیقاتی طی پژوهش‌های میدانی خود تصمیم گرفت با همکاری دولت اندونزی به طور شفاف و مستقیم، اطلاعاتی را به خانوارهای مشمول طرح بدهد. در ۳۷۸ روستا (که به طور تصادفی از میان ۵۷۲ روستا در سه استان انتخاب شده بودند)، دولت مرکزی کارت‌های شناسایی دریافت یارانه همراه با اطلاعات مربوطه را به خانوارهای واجد شرایط ارسال کرد تا آنها را از واجد شرایط بودن و میزان برنجی که حق داشتند دریافت کنند آگاه سازد. تیم تحقیقاتی همچنین، شیوه طراحی کارت‌ها را تغییر داد. جزئیات دیگری در کارت‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفت: آیا هزینه پرداختی از طرف دولت

¹ Raskin (Rice for the Poor)

² Banerjee

باید روی کارت ثبت شود؟ آیا کارت‌ها به تمام خانواده‌های واجد شرایط ارسال شود یا تنها به زیرگروهی از آنها؟ و آیا همراه با کارت‌های شناسایی باید کالبرگ‌های تأیید دریافت برنج ارسال شود؟

جزئیات فوق که از نظر دوفلو در نتیجه‌بخش بودن اجرای سیاست‌های اقتصادی بسیار اثرگذار هستند، همان ظریفی است که او با استعاره «لوله‌کشی» از آن یاد می‌کند. به اعتقاد او، به جای آنکه در مورد نحوه درج اطلاعات روی کارت‌ها، اقتصاددانان تصمیم‌گیری کنند؛ این تصمیمات مهم در مرحله طراحی کارت بر عهده گرافیکست یا طراح مربوطه قرار می‌گیرد. نحوه توزیع کارت‌ها نیز به متصدی آن در هر استان واگذار می‌شود و این چیزی است که به اعتقاد او می‌تواند نتایج اجرای طرح را تغییر دهد. در نمونه فوق، قیمت برنج روی کارت‌ها درج نمی‌شد و مضمولان طرح از قیمت آن بی‌خبر بودند. بنابراین، مسؤولان توزیع می‌توانستند به راحتی مبلغ بیشتری از مردم دریافت کنند. حتی به دلیل اطلاع‌رسانی عمومی در مورد مضمولین طرح نیازی به صدور و ارسال کارت شناسایی برای آنها نبود. اما صدور کارت موجب افزایش دریافت یارانه از طرف خانوارهای واجد شرایط شد. در روستایی که جزئیات درج قیمت‌ها روی کارت‌های شناسایی به طور آزمایشی رعایت شده بود، دریافت یارانه ۲۶ درصد در میان خانوارهای واجد شرایط افزایش یافت، زیرا امکان دریافت اضافه‌بها روی برنج‌ها از بین رفت. نتایج نشان می‌داد این گروه در مقایسه با گروهی که به صورت عمومی و آشکار اطلاعات دریافت نکرده بودند، ۳۰ درصد بیشتر کارت شناسایی دریافت کرده بود. به همین دلیل، دولت اندونزی تصمیم گرفت در تمام طرح‌های پرداخت یارانه از کارت‌های شناسایی استفاده نماید [۲].

۲-۵- عدم توجه به جزئیات: طرح تضمین اشتغال روستایی در هند^۱

طرح ماهاتما گاندی با عنوان طرح ملی تضمین اشتغال ملی در مناطق روستایی (MGNREGA) بزرگترین برنامه اشتغال هند به شمار می‌رود که برای کاهش فقر از طریق ایجاد اشتغال روستایی طراحی شده است. تأمین مالی این برنامه بر عهده دولت فدرال بود، اما اجرای آن در سطح روستا صورت می‌گرفت. سانتاش ماتئو، اقتصاددان و دکترای مطالعات توسعه، در رأس تیم تحقیقاتی خود به مطالعه این طرح در ایالت بیهار^۳ هند پرداخت؛ جایی که امکان انتقال پول به طور مستقیم از بانک مرکزی به دولت محلی قابل انجام بود. پس، نیمی از مشکل که مربوط به نحوه انتقال پول بود برطرف شد. اما نیم دیگر مشکل در خصوص اطلاعات افرادی که باید پول را دریافت می‌کردند، به قوت خود باقی بود. در سیستم سنتی و مرسوم هند، نحوه انتقال پول به مردم ابتدا با درخواست آنها از سطح دولت محلی آغاز می‌شد. دولت، درخواست‌ها را به سطح بالاتر یعنی ولایت

¹ Mahatma Gandhi National Rural Employment Guarantee Act (MGNREGA)

² Santhosh Mathew

³ Bihar

انتقال می داد که پس از تصویب، وارد سامانه مدیریت مالی می شد و سپس فاکتور آن به بانک مرکزی هند ارسال می گشت.

ماتئو سیستم سنتی را به این ترتیب اصلاح کرد که دولت محلی بتواند به طور مستقیم وارد سامانه مدیریت مالی شود و با ثبت فعالیت انجام شده (برای نمونه، آقای X به مدت ۱۴ روز کار کرده است)، در یک حساب با مانده صفر، مبلغ مربوطه را دریافت نماید. ماتئو و گروهش برای سنجش تغییر جدید، ۱۲۰ ولایت را مشتمل بر ۱۰۰۰ دولت در گروه تحت سنجش (دریافت کننده متغیرهای جدید در سیستم) و ۲۰۰۰ دولت در گروه شاهد (بدون دریافت متغیرهای جدید)، با پوشش جمعیتی ۳۰ میلیون نفر مورد مطالعه قرار دادند.

شفافیت سیستم اصلاح شده از وضع موجود هند بیشتر بود. در خصوص هر استخدام، دولت محلی امضای خود را پای سند آن قرار می داد. این امر پیگیری را برای حسابرسان آسان می کرد و در صورت استخدام نیروهای صوری، مقامات دولتی مجازات می شدند. در سیستم سنتی، بسیاری از نیروها به صورت صوری در فهرست شاغلان قرار می گرفتند. اما با افزودن متغیرهای جدید در سیستم، رفتار مقامات محلی تغییر کرد و فساد به طور چشمگیری کاهش یافت. هزینه اجرای طرح در سامانه جدید، بدون تغییر آشکار در تعداد روزهای کاری افراد، حدود ۲۲ درصد کاهش پیدا کرد که این کاهش ناشی از کاهش فساد بود. همچنین، در دارایی های اظهار شده دولت های محلی کاهش قابل ملاحظه ای دیده شد. در این خصوص می توان گفت که اکثر شیوه های مبارزه با فساد، بر ابزارهای مبارزه با فساد (مانند ممیزی) یا بر انگیزه های فساد تمرکز دارند و کمتر به ساختار خود طرح اجرایی می پردازند. اما تجربه ایالت بیهار نشان می دهد که اصلاح فنی و مدیریتی در اجرای طرح ها می تواند تفاوت قابل ملاحظه ای ایجاد کند [۲].

۳-۵- عدم توجه به جزئیات: کشت جلبک دریایی در اندونزی

بنرجی، معضل بی توجهی سیاست گذاران به جزئیات را با یک مثال تشریح می کند. به اعتقاد او این بی توجهی ناشی از عدم توجه به متغیرهای محیطی مهم است. بنرجی و گروهش در اندونزی آزمایشی را انجام دادند که نتیجه آن بیانگر توجه گزینشی کشاورزان جلبک دریایی به متغیرهای محیطی کشت بود. به اعتقاد او، نتیجه این آزمایش در مورد چالش های سیاست گذاران نیز صدق می کند. کشاورزان اندونزیایی برای کشت جلبک دریایی از اتصال عمودهایی به موازات جلبک ها در اقیانوس استفاده می کنند. مؤلفه های بسیاری بر نتیجه این کار اثرگذار است از جمله: طول عمود، فاصله مطلوب بین عمودها، طول مطلوب جلبک و عمود، و قطر عمود. کشاورزان به همه این متغیرها توجه ندارند و تنها تعداد محدودی از آنها را رعایت می کنند. حلقه بازخوردی این سنجش حاکی از آن بود که اگر کشاورزان کار را با این باور شروع کنند که یکی از مؤلفه ها مهم نیست، اصلاً بدان توجه نخواهند کرد و ممکن است هرگز به اهمیت آن پی نبرند.

بر اساس شواهد تجربی بنرجی و گروهش، تا زمانی که اهمیت مؤلفه‌های پیرامونی به طور خیلی واضح به کشاورزان گوشزد نشده بود آنها متوجه اهمیت این مؤلفه‌ها نشده بودند. حتی انتشار داده‌هایی در خصوص اهمیت این مؤلفه‌ها نتوانسته بود توجه آنها را به اهمیت موضوع جلب کند. بدین ترتیب، تیم پژوهشی بنرجی توانست بی‌توجهی کشاورزان نسبت به قطر عمودها را از بین ببرد. تا پیش از آزمایش آنها، حتی کشاورزان کارکشته نیز از تأثیر سایر عوامل محیطی بر محصول نهایی غافل بودند. همان‌گونه که سیاست‌گذاران مجرب از اهمیت عوامل پیرامونی در سیاست‌های خود غافل هستند. اقتصاددانان و سیاستمداران در مقایسه با کشاورزان به مراتب بیشتر به جزئیات بی‌توجه هستند. هنر مدل‌سازی در اقتصاد، ساده‌سازی واقعیات به منظور پیاده‌سازی منطق پشت فروض اصلی است. سیاست‌گذاران و بوروکرات‌ها نیز به دنبال ساده‌سازی مشکلات هستند [۲].

۶- چرا سیاست‌گذار به لوله‌کش نیازمند است؟

کاملاً طبیعی است که سیاستمداران برای طراحی سیاست‌ها و نهادهای پیچیده به اقتصاددانان و مهندسان متکی باشند. طراحی سازوکار انتخاب مدرسه، طراحی یک مزایده یا بازار خرید و فروش کلیه، نمونه‌هایی هستند که اطلاعات شفافی را می‌طلبند. نظریه اقتصادی، ابزاری برای اندیشیدن به این سؤالات را فراهم می‌کند و منطقی به نظر می‌رسد که سیاست‌گذاران از اقتصاددانان بخواهند در خصوص سیاست‌های اقتصاد کلان به آنها مشاوره بدهند [۲].

۱-۶- طرح اصلاح سیستم بهداشت و درمان دولتی در ایالت کرالا

ایالت کرالا در جنوب هند، یکی از موفق‌ترین ایالت‌های این کشور حداقل در حوزه رفاه اجتماعی است. اما این ایالت در حال حاضر با مشکلات کشورهای پیشرفته مثل پیر شدن جمعیت، شیوع فشار خون بالا، دیابت و چاقی دست‌وپنجه نرم می‌کند. این امر ایجاب می‌کند که مقامات ایالت درباره افزایش هزینه مراقبت‌های بهداشتی و پیشگیری از بیماری‌های غیر قابل پیشگیری اقداماتی اتخاذ کنند. بهترین ایده آنها اصلاح سیستم مراقبت‌های بهداشتی دولتی به منظور ارتقاء خدمات پیشگیری، درمان و مدیریت و همچنین، افزایش جذابیت آن برای مشتریانی بود که بیشتر به دنبال مراقبت‌های بهداشتی در بخش خصوصی بودند (همان‌طور که در دیگر نقاط هند نیز مرسوم بود). این ایالت سازمان خدمات بهداشتی جدیدی احداث نمود. پرستاران، پزشکان و داوطلبانی از دولت‌های محلی به طور یکپارچه در قالب یک تیم سلامت که مسئولیت حفظ سلامت مردم را بر عهده داشت شروع به کار کردند. تمرکز گروه بر تغییر شیوه زندگی مردم و پیشبرد فعالیت‌های پیشگیرانه بود. آنها این برنامه را در ۱۵۲ مرکز خدمات بهداشتی در پیش گرفتند.

دوفلو در جلسه‌ای به همراه دو اقتصاددان دیگر، ابهیجیت بنرجی^۱ و گیتا گوپی‌ناث^۲ به بحث و بررسی این سیاست‌ها با مسؤولان وزارت بهداشت ایالات کرالا می‌پردازد. آنچه در این جلسه مورد توجه دوفلو قرار می‌گیرد عدم اطلاع سیاست‌گذاران اصلی برنامه از جزئیات نحوه اجرای طرح است. زیرا جزئیات اجرای برنامه‌های سیاستی اغلب به کارشناسان تفویض می‌شد.

دوفلو و همکارانش این سؤالات را از مسؤولان حاضر در جلسه پرسیدند: چرا وقتی تنها پزشکان در سیستم بهداشت و درمان جدی گرفته می‌شوند، بیماران باید به توصیه‌های پرستاران توجه کنند؟ آیا در جایی که پرستاران فشار خون بیماران را می‌گیرند و برگه‌های شرح حال بیمار را پر می‌کنند، می‌توان گفت پرستاران در جایگاهی هستند که بیمار تجویزهای آنها را بپذیرد؟ آیا پزشکان در سیستم سلسله مراتبی بیمارستان هیچ‌وقت خواسته‌اند که پرستاران مورد احترام باشند؟ در شرایطی که به ازای هر ۳۰,۰۰۰ نفر تنها دو پزشک وجود دارد، آیا برای متخصصان بهداشت و درمان مقدور است زمان بیشتری را صرف سلامت عمومی و پیشگیری کنند؟ در کمال تعجب دوفلو و همکارانش، گروه نه جوابی برای این سؤال‌ها داشت و نه علاقه‌ای به آن نشان می‌داد. هر بار از آنها سؤال می‌شد درباره اهرم سیاستی خود (در مقابل آرزوها و منویات) توضیح دهند این پاسخ کلیشه‌ای داده می‌شد که نمی‌توان دولت‌های محلی و پزشکان را مجبور به کاری کرد. آنها به جای آموزش دولت‌های محلی در این حوزه، این مسائل را به شوراهای روستایی واگذار می‌کردند که نظرات بعضاً متناقضی در آنجا مطرح می‌شد.

به نظر می‌رسید زنجیره علی سیاست‌ها از طراحی تا پیاده‌سازی و حصول نتیجه نهایی درک نشده بود. موقعیت مسؤولان بین دو توهم برخورداری از سیستم بی‌نقص و توهم ناتوانی کامل، علیرغم در اختیار داشتن قدرت و برنامه در نوسان بود. گروه دوفلو نتوانست طی ساعت‌ها بحث در مورد جزئیات طرح، نظرات خود را پیش ببرد. پس از چندین ساعت، مسؤولان کرالا پاورپوینتی را به نمایش درآوردند که اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد و فهرستی از پیشنهادات برای تحقق آنها را در کرالا نشان می‌داد. ارائه آنها یک فهرست بلندبالا و کاملاً توخالی بود، شبیه به فهرست آرزوها (مانند ۳۰ دقیقه تمرین روزانه در تمام مدارس به صورت اجباری، آگاهی عمومی جامعه در مورد چاقی و غیره). جالب آنکه این برنامه‌ها هیچ ارتباطی با اصلاح نظام سلامت که در ابتدای جلسه بحث شده بود نداشتند. جزئیات طرح در این برنامه‌ها هیچ جایی نداشت. دوفلو تصمیم می‌گیرد دیگر در جلساتی از این دست شرکت نکند و معتقد است بروکرات‌ها و سیاست‌گذاران نمی‌توانند لوله‌کش‌های خوبی باشند [۲].

¹ Abhijit Banerjee

² Gita Gopinath

۲-۶- طرح ابطال اسکناس‌های قدیمی در هند

یک نمونه اخیر و دور از انتظار از بی‌توجهی سیاست‌گذاران به جزئیات اجرایی طرح‌ها، در سال ۲۰۱۶ در هند اتفاق افتاد. نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند در ۸ نوامبر ۲۰۱۶ با وضع قانون جدیدی اسکناس‌های ۵۰۰ و ۱۰۰۰ روپیه‌ای این کشور را از درجه اعتبار ساقط اعلام کرد و تا ۳۰ دسامبر به مردم مهلت داد تا با مراجعه به شعب بانک‌ها اسکناس‌های قدیمی خود را تعویض کنند. وی دلیل این اقدام را مبارزه با فساد حاکم بر جامعه از طریق کنترل پول‌های فاسد و سیاهی عنوان کرد که از عملیات تروستی، قاچاق مواد مخدر یا فساد دولتی به دست آمده‌اند. او می‌خواست با قطع نقدینگی، تأمین مالی گروه‌های تروریستی را از بین ببرد و پول‌های کثیف را از چرخه پولی کشور حذف کند. این در حالی بود که بانک مرکزی هند از قبل به میزان کافی اسکناس جدید چاپ نکرده بود و مردم برای پول گرفتن باید در صف‌های طولیل بانک می‌ایستادند. سائز پول‌های جدید با اسکناس‌های قدیمی متفاوت بود و دستگاه‌های خودپرداز باید جایگزین می‌شدند. ثروتمندان که بیم از دست دادن سپرده‌های عظیم خود را داشتند در ازای پرداخت کمیسیون، پول سیاه خود را در حساب بانکی فقرا پس‌انداز می‌کردند. در نتیجه، میزان سپرده‌های نقدی در حساب‌های طبقه فقیر به سرعت افزایش می‌یافت.

دولت از زمان اعلام رسمی این قانون تا پایان مهلت قانونی تعویض اسکناس‌ها، بیش از ۱۰۰ نوع قانون متفاوت با مضامینی از این قبیل وضع کرد: افراد چه زمانی می‌توانند پول نقد خود را به بانک بسپارند، چقدر می‌توانند سپرده‌گذاری کنند، چه دلایلی برای سپرده‌گذاری مورد نیاز است، چه زمانی می‌توانند پول خود را برداشت کنند، چه مقدار جریمه می‌شوند اگر نتوانند اثبات کنند که مالیات خود را پرداخت کرده‌اند و غیره. نتیجه این تصمیمات، ترکیبی از تحیر عمومی، اختلال عظیم در اقتصاد و در نهایت، سردرگمی کامل بود.

دولت هند با این اقدام، ۸۶ درصد پول در گردش کشور را حذف کرد. به اعتقاد دوفلو نمی‌توان ۸۶ درصد از پول نقد را در اقتصاد بدون در نظر گرفتن تدارکات لازم، از جمله آنچه باید جایگزین پول قدیمی شود (اعم از کارت‌های اعتباری و انتقال حساب به حساب) حذف کرد؛ به‌ویژه در کشوری که در این حوزه‌ها خیلی توسعه‌یافته نیست. این نوع اقدامات، بیانگر گرایش بسیاری از دولت‌ها به نوعی تفکر جادویی است که اگر یک ایده انتزاعی معقولی دارند، گمان می‌کنند جزئیات آن نیز به طور خودکار حل می‌شود. سیاست‌گذاران اغلب بر اساس ایدئولوژی زمان خود طرح می‌دهند و این کار با بی‌توجهی کامل به واقعیات آن حوزه صورت می‌گیرد.

[۲].

۳-۶- سیستم نظارت ثالث بر آلاینده‌های صنعتی ایالت گجرات

دادگاه عالی گجرات با اجباری ساختن نظارت یک نهاد ثالث بر آلاینده‌های صنعتی قصد داشت آلودگی صنعتی را در این ایالت کاهش دهد. طبق این طرح، شرکت‌هایی که آلودگی بالایی تولید می‌کردند موظف بودند از یک شرکت خصوصی به عنوان نهاد ثالث بخواهند در خصوص وضعیت آلاینده‌گی آنها به نهاد نظارتی این ایالت، یعنی هیئت کنترل آلودگی گجرات گزارش نظارتی بدهد. بدین ترتیب، بازرسان شرکت‌ها سه بازدید انجام دادند و نتیجه گزارش خود را به هیئت کنترل آلودگی گجرات ارائه دادند. در این طرح، قوانینی برای اطمینان از کیفیت کار و کاهش بروز فساد در نظر گرفته شده بود. برای نمونه، تیم‌های بازرسی نمی‌توانستند از تعداد معینی بیشتر مشتری داشته باشند. اعضای تیم‌ها باید واجد صلاحیت اخلاقی می‌بودند و عدم صداقت موجب سلب صلاحیت و ابطال مجوز آنها برای نظارت می‌شد.

دوفلو و دستیارانش به منظور ارزیابی نتایج این طرح به روش تصادفی کنترل‌شده، بلافاصله پس از بازدید شرکت‌های بازرسی‌کننده، یک تیم مستقل را برای اندازه‌گیری آلودگی به محل اعزام کردند. نتایج در مورد یکی از آلاینده‌ها (ذرات معلق) برخلاف نتایج گزارش بازرسان که میزان این ذرات را زیر آستانه قابل قبول نشان می‌داد، کاملاً حاکی از چیز دیگری بود. حتی آلاینده‌هایی که میزان آنها در ارزیابی تصادفی تیم دوفلو پایین گزارش شده بود، در گزارش بازرسان دیده نمی‌شد. به نظر می‌رسید بازرسان حتی از شرکت‌ها بازدید نکرده بودند. قیمت گزارش‌های بازرسان نیز از حداقل هزینه لازم برای انجام سنجش آلودگی کمتر بود و این نشان می‌داد که در عمل، هیچ سنجشی صورت نگرفته است. دلیل شکست این طرح تضاد منافع صاحبان کسب‌وکار با متولیان طرح بود. از آنجاکه خود شرکت‌ها اقدام به انتخاب بازرسان و پرداخت هزینه‌های آنها می‌کردند، بازرسان گزارش خود را مطابق با خواسته شرکت تنظیم می‌کردند و حتی با دریافت پول بسیار کم نیز حاضر به انجام این کار می‌شدند. پیاده‌سازی این طرح نشان داد با وجود آنکه اصول کلی حاکم بر طرح از منظر قضاوت ذهنی ارزشمند بود، اما در مقام اجرا کاملاً دچار نقص بود.

از منظر اقتصادی، کافی بود سیاست‌گذار وابستگی مالی شرکت‌های نظارتی ثالث را به صنایع آلاینده قطع می‌کرد و شرکت‌های نظارتی را ملزم می‌ساخت به نهاد نظارتی مرجع پاسخگو باشند، نهادی که می‌توانست در ازای صحت و سقم گزارش‌ها به شرکت‌های ثالث پاداش دهد. به پیشنهاد تیم اقتصادی دوفلو، هیئت کنترل آلودگی هوای گجرات، سیستم نظارتی‌اش را تغییر داد و بازرسان به صورت تصادفی به شرکت‌ها معرفی شدند. دستمزد بازرسان نیز از طریق یک سیستم مرکزی و مستقل پرداخت می‌شد. نتایج این آزمایش در ۴۷۳ بنگاه حاکی از افزایش دقت گزارش‌ها و به دنبال آن، کاهش میزان آلودگی صنایع بود [۲].

۷- موانع اجرای سیاست‌های صحیح اقتصادی چیست؟

استبیل ضمن تأیید نظرات دوفلو می‌نویسد، صرف‌نظر از طراحی و پایش سیاست‌ها، اقتصاددان باید در نظر داشته باشد که سیاست‌گذار نه تنها دارای محدودیت‌هایی است، بلکه خود او نیز می‌تواند از طریق مشوق‌ها تحت تأثیر قرار گیرد. بدین معنا، طراحی معماری «انتخاب» برای مصرف‌کننده نهایی ممکن است مستلزم معماری «انگیزه» برای کارکنان دولت باشد. در مجموع، در اجرای سیاست‌های اقتصادی موانع بالقوه متعددی وجود دارد که می‌توان آنها را این‌گونه خلاصه کرد:

(۱) اکثر بوروکرات‌ها عملگرایان خیلی خوبی نیستند. حتی زمانی که اقتصاد را درک می‌کنند و متوجه مزایای یک طرح می‌شوند، مایل به اجرای راهکار توصیه‌شده به شیوه‌ای که خواسته شده است نیستند.

(۲) ملاحظات ایدئولوژیک و سیاسی نیز ملاحظات مهمی در اجرای سیاست‌های اقتصادی هستند. تجربه نشان می‌دهد سیاست‌گذاران و دولت‌ها نسبت به مدیران اجرایی ریسک‌گریزی بیشتری دارند. سیاست‌گذاران که با وعده تصویب سیاست‌های مشخصی به کرسی ریاست می‌رسند، نگران هستند که در صورت بازگشت به عقب یا اصلاح سیاست‌ها نتوانند به‌سادگی رأی دهندگان خود را توجیه کنند.

با این وجود، به نظر می‌رسد گرایش خوبی به سمت نظرات دوفلو شکل گرفته است. اساتید رشته اقتصاد به طور فزاینده‌ای به دنبال عملیاتی ساختن نظریه‌ها هستند. بسیاری به روش دوفلو و استفاده از سنجش‌های تصادفی کنترل‌شده روی آورده‌اند و بسیاری دیگر دوشادوش دولت‌ها به جمع‌آوری داده‌ها اشتغال دارند و از ابتدا تا انتها درگیر فرآیندهای اجرایی سیاست‌ها هستند [۴].

۸- جمع‌بندی

دوفلو از اقتصاددانان می‌خواهد با ذهن باز به پردازش نحوه اجرایی شدن سیاست‌های اقتصادی بپردازند. این امر مستلزم توجه اقتصاددانان به جزئیات اجرایی طرح‌های سیاستی و افزایش ارتباط سیاست‌گذاران با اقتصاددانان است. آنچه سیاست‌گذار تصویب می‌کند عموماً کلیاتی است که جزئیات اجرایی آن یا در نظر گرفته نشده یا فاقد ظرایفی است که می‌تواند بر نتیجه‌بخشی طرح بسیار اثرگذار باشد. از این منظر، دوفلو با بکارگیری واژه استعاری «لوله‌کش»، توجه اقتصاددانان را به این مهم جلب می‌کند که ارزش تصمیمات صحیح اقتصادی زمانی به منصف ظهور می‌رسد که تمام فرآیندهای لازم برای موفقیت طرح در دنیای واقعی جوابگو باشند. همان‌گونه که تمام تصمیمات یک لوله‌کش بر اساس استفاده از ابزارهای مختلف برای مشکلات مختلف به «چگونگی» انجام کار معطوف می‌گردد و او یک لحظه از پایش فرآیند عملیاتی کار غافل نمی‌شود، اقتصاددان باید از چستی تصمیمات عبور کند و بر چگونگی اجرای سیاست‌ها متمرکز شود. شواهدی که در این مقاله به



آنها اشاره شد، ناظر بر بی توجهی سیاست گذار به جنبه هایی است که هنگام اجرا چالش برانگیز می شوند و ابعاد دیگری از فساد، رانت و عدم شفافیت را شکل می دهند.

۹- منابع

- [1] Dizikes, P. (2010). *Esther Duflo Wins Clark Medal*. Retrieved from MIT News: <http://news.mit.edu/2010/duflo-clark-0423>
- [2] Duflo, E. (2017). *The Economist as Plumber*. Retrieved from MIT Economics: <https://economics.mit.edu/files/12569>
- [3] Klein, P. G. (2017). *Economists Are Not Plumbers*. Retrieved from Mises Institute: Austrian Economics, Freedom, and Peace: <https://mises.org/wire/economists-are-not-plumbers>
- [4] Stabile, M. (2018). *Why Economists Should Think Like Plumbers*. Retrieved from INSEAD: The Business School for the World: <https://knowledge.insead.edu/economics-finance/why-economists-should-think-like-plumbers-8301>

گزارش شماره ۲:

آینده‌پژوهی:

اجتناب از آینده‌های نامطلوب، خلق آینده‌های دلخواه

خلاصه مدیریتی

بشر از دیرباز در پی راهی بوده است تا بتواند آینده را پیش‌بینی کند. طالع‌بینی و ستاره‌شناسی از نمونه‌های ابتدایی تلاش‌های بشر برای آگاهی یافتن از آینده هستند و پیشگویان، معبران و کاهن‌ها از نخستین افرادی هستند که در اعصار باستان به این میل طبیعی بشر پاسخ داده‌اند. اما به تدریج، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، اندیشمندان و جامعه‌شناسان به‌منظور پیش‌بینی خردورانه آینده اقدام به پایه‌ریزی و گسترش روش‌های «آینده‌پژوهی»^۱ کردند. جنگ درس‌های زیادی برای بشر داشت. در دوران جنگ، پیش‌بینی زنجیره رخدادهای احتمالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. همچنین، درک ارزش برنامه‌ریزی صحیح، داشتن راهبرد، محاسبه و مدیریت موقعیت‌های پیچیده، از درس‌های جنگ بود. جنگ از یک سو قدرت تخریبی ایدئولوژی‌های بنیادی را به تصویر می‌کشید و از سوی دیگر، دوران پس از جنگ بر اهمیت رشد اقتصادی قوی، توسعه فناوری و توانایی حل مسائل جهانی صحنه می‌گذاشت [۱۸]. آمریکایی‌ها از نخستین کسانی بودند که به یافتن شیوه‌هایی برای پیش‌بینی آینده اشتغال پیدا کردند. پس از جنگ جهانی دوم، پژوهشگران و اندیشمندان آمریکایی به

^۱ Futures Studies

پژوهش آینده به عنوان حوزه‌ای که امکان انتخاب آینده را فراهم می‌آورد، علاقه‌مند شدند که با رویکرد اروپایی‌ها متفاوت بود. از نتایج تلاش‌های آمریکایی‌ها در این زمینه می‌توان به شکل‌گیری مؤسسه رند^۱ اشاره نمود. تشکیل فدراسیون جهانی آینده‌پژوهی^۲ نیز برخاسته از نیاز جهانی برای ساختن آینده‌ای با محوریت مسائل انسانی است [۲۰]. کشورهای دیگری نظیر دانمارک، استرالیا و فنلاند به ابداع و توسعه روش‌ها و مراکزی در زمینه آینده‌پژوهی روی آورده‌اند.

در بخش نخست گزارش حاضر، در قسمت مقدمه نگاهی اجمالی به محورهای اصلی مقاله شده است. با توجه به ضرورت درک مفهوم آینده‌پژوهی و کاربست آن در دنیای پر از تحول امروز، بخش دوم به تشریح مفهوم آینده‌پژوهی اختصاص داده شده است. آینده‌پژوهی به معنای مطالعه نظام‌مند آینده‌های ممکن^۳ (امکان‌پذیر)، آینده‌های محتمل^۴ (رخ‌دادنی، با احتمال وقوع بیشتر) و آینده‌های مطلوب^۵ است. در طول پنجاه سال گذشته، آینده‌پژوهی از پیش‌بینی آینده به مشخص کردن آینده‌های بدیل^۶ و متعاقب آن، به شکل دادن به آینده‌های دلخواه^۷ گذر کرده است. بر این اساس، آینده‌پژوهی از یک سو به خلق فعالانه آینده‌های دلخواه و از سوی دیگر به کاهش ریسک و اجتناب از آینده‌های نامطلوب می‌پردازد [۱۶]. یکی از محورهای مهم در ادامه تشریح مفهوم آینده‌پژوهی، تفاوت آن با برنامه‌ریزی و تحلیل سیاستی است. آینده‌پژوهی با برنامه‌ریزی متفاوت است. با وجود آنکه اقبال کشورها به برنامه‌ریزی‌های عمومی در حین جنگ جهانی دوم و پس از آن زمینه شکل‌گیری آینده‌پژوهی را ایجاد کرد، اما رویکرد این دو با یکدیگر متفاوت است. آینده‌پژوهی با رویکردی اجرایی و با ارائه چندین آینده متصور، آینده را باز می‌گذارد، اما برنامه‌ریزی قصد دارد با کنترل آینده آن را بسته نگه دارد. آینده‌پژوهی با ارائه تحلیل‌های سیاستی نیز متفاوت است. آینده‌پژوهی در پی خلق آینده‌های بدیل از طریق زیر سؤال بردن مفروضات اولیه است، در حالی که تحلیل سیاستی شاکله کلی تصمیم‌گیری را زیر سؤال نمی‌برد و تنها به تحلیل اعتبار سیاست‌ها می‌پردازد. به طور کلی می‌توان گفت تبیین اهداف و ارزش‌ها، توصیف روندهای پیشین، تشریح وضعیت و شرایط موجود، ارائه تصاویر بدیل از آینده و ایجاد و انتخاب سیاست‌های جایگزین، مراحل کار آینده‌پژوه را تشکیل می‌دهند.

مقاله در بخش سوم به ضرورت آینده‌پژوهی پرداخته است. تغییرات سریع دنیای امروز و توسعه پرشتاب جوامع، فناوری، نهادها و خدمات که با افزایش «رقابت» همراه هستند، در کنار لزوم هم‌خوانی میان برنامه‌ها و محیط اجرای برنامه که زمینه‌ساز موفقیت یا شکست نهادها و جوامع هستند، بیش از پیش ضرورت

¹ Rand Corporation

² World Futures Studies Federation (WFSF)

³ Possible futures

⁴ Probable futures

⁵ Preferable futures

⁶ Alternative futures

⁷ Desirable futures

آینده پژوهی را آشکار می سازد. زیرا به منظور دستیابی به تناسب های جدید میان برنامه ها و آینده متغیر فردا باید بتوان تصویرری از آینده پیش رو داشت و پیش بینی های خوب کمک می کنند ابهامات آینده کمتر شود.

بخش چهارم، اهداف آینده پژوهی را تبیین می کند. هدف اصلی آینده پژوهی، حفظ و افزایش رفاه بشر و ارتقاء ظرفیت های بقاء روی کره زمین است. این هدف غایی از طریق مطالعه آینده های بدیل انجام می شود. در آینده پژوهی تلاش می شود با ارائه تصاویری از آینده های مختلف، سه دسته آینده (ممکن، محتمل و مطلوب) بهتر شناخته شوند.

بخش پنجم مقاله، به فرضیات آینده پژوهی اختصاص یافته است. این فروض در دو بخش عمومی و خاص قابل بررسی هستند. فروضی که افراد را هدف گرا و پروژه محور می بینند و اعتقاد دارند برخی از الگوهای رفتاری در جامعه تکرار شونده هستند، عمومی و مشترک میان آینده پژوهی و سایر علوم تلقی می شوند. اما پاره ای از پیش فرض ها خاص آینده پژوهی هستند از جمله: اعتقاد به خطی بودن زمان، امکان ظهور افکار و عکس العمل های بی سابقه در آینده، ضرورت عمل گرایی امروز به منظور دستیابی به اهداف آینده، عدم جبری بودن آینده، لزوم داشتن دیدگاه جامع و کلان نگر و تفوق برخی آینده ها بر برخی دیگر.

در بخش ششم، سیر آینده پژوهی که ابتدا بر اساس نیاز به تغییرات برنامه ریزی شده برای سازمان دهی اقتصادی و اجتماعی در خلال جنگ جهانی دوم پا به عرصه وجود گذاشت بیان شده است. بخش هفتم، دامنه مطالعات آینده پژوهی را تشریح می کند. مطالعات آینده پژوهی از بنگاه تا زیر ساخت، کشاورزی، محیط زیست، فناوری و هوش مصنوعی گسترده شده است. همین امر کمک می کند آینده پژوهی موجب افزایش اثربخشی برنامه ها در طیف وسیعی از حوزه ها گردد. در بخش هشتم، مراکز بین المللی آینده پژوهی و نمونه های ملی فعال در حوزه اقتصاد در سه کشور دانمارک، استرالیا و فنلاند معرفی شده اند. در ادامه این بخش، تجربه موفقیت آمیز مالزی به عنوان کشوری که طی سال های ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۸، با طراحی آینده های بدیل، در ۴ دوره برای توسعه برنامه ریزی کرده است، می تواند در تبیین نقش آینده پژوهی در توسعه راه گشا باشد. در قسمت پایانی نیز گریزی به سابقه مطالعات آینده پژوهی در ایران زده شده است که ضمن تشریح نخستین تلاش ها برای کاربردی آینده پژوهی در نهادهای دولتی پس از انقلاب، عدم تخصیص جایگاه جدی به این امر مهم در تصمیم گیری های کشور یکی از کاستی ها در این مسیر ارزیابی شده است.

مفاهیم «زمان» و «آینده» در تمام جوامع وجود دارند. پیشگویی، تغال و تمام موارد مشابه، بر مبنای ملاحظات زمانی و تمایل برای شناخت آینده شکل گرفته‌اند. پیدایش ساعت و تقویم نیز از همین تلاش بشر برای درک آینده حکایت دارند. بشر که در قرن شانزدهم به دنبال آرمان‌شهر یا ناکجاآباد به عنوان «مکانی» رؤیایی بود، در اواخر قرن هجدهم به مفهوم «زمانی» آرمان‌شهر رسید. آرمان‌شهر رؤیایی که تا پیش از قرن هجدهم مکانی غیر از «مکان» فعلی تصور می‌شد، در قرن هجدهم به مکانی در «زمان» دیگری غیر از زمان فعلی تبدیل شد. از این‌رو، مفهوم آرمان‌شهر به مکانی نه در زمان حال، بلکه به مکانی در زمان «آینده» تغییر یافت. از همین زمان، ادبیات آرمان‌شهر با ادبیات آینده‌پژوهی پیوند خورد [۷].

کلمه آینده تاحدی گمراه‌کننده است، زیرا ابتدا به ساکن این ایده را منتقل نمی‌کند که کنکاش افق‌های پیش‌رو در گرو کاویدن افق‌های پیشین است [۲۳]. آینده‌پژوهی (futures study) به عنوان یک فرارشته، با مفاهیم مشابه دیگری مانند آینده‌شناسی (futurology) و آینده‌نگاری (foresight)، اشتراکات زیادی دارد. آینده‌شناسی به معنای پیش‌بینی وضعیت آینده جهان بر اساس روندهای فعلی است [۹]. آینده‌پژوهی با برنامه‌ریزی نیز متفاوت است. برنامه‌ریزی به معنای تصمیم‌گیری نظام‌مند است که در آن آمادگی جهت اجرای برنامه و پایش عملکرد نیز دیده می‌شود. آینده‌پژوهی از سوی دیگر، به معنای تعیین آینده‌های محتمل و ارائه تصویر از آینده‌های مطلوب و قابل تحقق است [۱۷].

شناخت روندهای گذشته به منظور بصیرت یافتن نسبت به مسیر پیش‌رو، یکی از متداول‌ترین شیوه‌ها در آینده‌پژوهی به شمار می‌رود که از زمان عهد عتیق مورد استفاده فلاسفه قرار می‌گرفته است. مطالعه تاریخ یک کشور در سطح کلان، به چشم‌انداز رؤیایی آینده‌پژوهان ساختار می‌بخشد. البته، روندهای گذشته بیش از آنکه مفاهیمی مطلق باشند، معنا و ویژگی‌های خود را بر اساس تلقی و برداشتی که بازیگران عرصه تصمیم‌گیری برای مواجهه با تاریخ «برمی‌گزینند» به دست می‌آورند [۲۱].

با توجه به اهمیت آینده‌پژوهی و ضرورت کاربست آن در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی، در این مقاله تلاش شده است این مفهوم که در سیاست‌گذاری‌های کشور کمتر مورد توجه واقع شده است تا حدی تبیین گردد.

۲- مفهوم آینده‌پژوهی

عبارت آینده‌پژوهی در فارسی برابر با عبارت انگلیسی Futures studies به کار می‌رود. کلمه جمع Futures به این دلیل استفاده شده است که در آینده‌پژوهی به جای تصور «فقط یک آینده»، «چندین آینده» متفاوت در

نظر گرفته می‌شود. برخی از آینده‌پژوهان همچنین از واژه «آینده‌شناسی»^۱ استفاده می‌کنند. با این حال، آینده‌شناسی یا واژه‌های مشابهی مانند «آینده‌نگاری»^۲ در ادبیات آینده‌پژوهان آمریکایی رایج نیستند و بیشتر در اروپا استفاده می‌شوند [۸].

آینده‌پژوهی به دنبال پیش‌بینی آینده یا حتی مطالعه آینده نیست. زیرا آینده‌ای که هنوز نیامده است قابل مطالعه نیست. آنچه برای مطالعه موجود است و آینده‌پژوه بر آن تمرکز دارد، مطالعه «تصویرهای محتمل» از آینده است. قرار نیست این تصویرها «درست» یا «غلط» باشند، بلکه تنها واقعیت‌های تجربی را نشان می‌دهند. مطالعه تصویرهای آینده و پیامدهای آن به معنای «پیش‌بینی آینده‌های محتمل» و «خلق آینده‌های مطلوب» است، نه پیش‌بینی آینده. آینده‌پژوهی را می‌توان در اصل نوعی رویکرد تاریخی دانست، با این تفاوت که از جبرگرایی حاکم بر مطالعات تاریخی یا قطعیت‌گرایی رایج در مطالعات اثباتی پرهیز می‌کند و به صورت‌بندی روندهای آینده در چارچوب حدس‌های احتمالی می‌پردازد [۱۳].

آینده‌پژوهی از رشته‌های دیگری مانند اقتصاد، جامعه‌شناسی، تاریخ، ریاضیات، روانشناسی و ستاره‌شناسی نشأت گرفته است و مدل‌ها و روش‌شناسی این رشته‌ها در آینده‌پژوهی کاربرد یافته‌اند. پیشگویی آینده به کمک برون‌یابی روندهای فعلی در زمینه‌های فناوری، اقتصاد و جامعه‌شناسی انجام می‌شود [۱۰]. با گذشت زمان، آینده‌پژوهی از قطعیت‌گرایی به سمت تکثرگرایی و درک تفسیری و نقادانه از مسائل پیش‌رفته است. پیش‌بینی‌ها و سناریوهای آینده‌پژوه قرار نیست دانشی از آینده به ما بدهد، بلکه تنها احتمالاتی محدود و مشخص را از آینده به دست می‌دهد. به عبارت دیگر، نتیجه کار آینده‌پژوه ارائه مجموعه‌ای از احتمالات است، نه مجموعه‌ای از نتایج [۱۸].

جیمز دیتور^۳، استاد و مدیر مرکز مطالعات آینده‌پژوهی دانشگاه هاوایی، آینده را متشکل از برهم‌کنش ۴ مؤلفه زیر می‌داند [۱۲]:

۱. رخدادها^۴:

رخدادهای احتمالی آینده (سناریو)، اندیشیدن درباره آینده را دشوار می‌سازند. چه کسی می‌داند جنگ بعدی یا زلزله بعدی چه زمانی اتفاق می‌افتد؟

¹ Futurology

² Foresight

³ James Allen Dator

⁴ Events

۲. روندها^۱:

بر خلاف رخدادهای، در مورد روندها برخی بر این باور هستند که روندها این امکان را به ما می‌دهند که بتوانیم آینده را پیش‌بینی کنیم و برای آن آماده شویم.

۳. تصاویر^۲:

به تصاویری که ما از آینده در ذهن داریم اشاره دارد.

۴. اقدامات^۳:

اقدامات به کارهایی اشاره دارد که افراد بر اساس تصاویری که از آینده در ذهن دارند، انجام می‌دهند.

آینده‌پژوهی کمک می‌کند «تصاویر» و «اقدامات» بشر در خصوص آینده از پیش‌بینی منفعلانه آینده فراتر رود و به سمت تدوین برنامه بر اساس پیش‌بینی‌ها جهت «اقدام» پیش رود [۱۲]. شناخت آینده با قطعیت مطلق ممکن نیست، زیرا آینده اساساً دارای عدم قطعیت است و آینده‌پژوهی اذعان می‌کند که آینده بسته به تصمیمات افراد در زمان حال می‌تواند متغیر باشد. با این حال، اطلاعات و واقعیت‌هایی که ریشه در گذشته و اکنون دارند، می‌توانند رهنمون آینده باشند.

۲-۱- تفاوت آینده‌پژوهی و برنامه‌ریزی

از دیدگاه متولیان برنامه‌ریزی، آینده‌پژوهی فقط زمانی مؤثر است که بتوان آن را در قالب برنامه‌ریزی برای آینده پیاده کرد. این در حالی است که آینده‌پژوهی به جای افزایش اثربخشی راهبردها می‌تواند چارچوب‌های جاری را بر هم زند. البته، روش‌هایی مانند تحلیل مسأله و سناریوسازی در آینده‌پژوهی به افزایش اثربخشی برنامه‌ها کمک می‌کنند [۱۶].

آینده‌پژوهی را باید از برنامه‌ریزی تفکیک کرد:

❖ آینده‌پژوهی با رویکردی اجرایی در پی ارائه تصاویر کلان از آینده است و با تجسم چندین آینده متصور، آینده را باز می‌گذارد.

❖ برنامه‌ریزی بر خلاف آینده‌پژوهی به دنبال کنترل آینده است و قصد دارد آن را بسته نگه دارد [۱۶].

تفاوت‌های برنامه‌ریزی و آینده‌پژوهی در جدول ۱ تشریح شده است [۱۷]:

¹ Trends

² Images

³ Actions

جدول ۱- تفاوت‌های برنامه‌ریزی و آینده‌پژوهی

نقاط افتراق	برنامه‌ریزی	آینده‌پژوهی
۱. خروجی	- مجموعه‌ای از تصمیمات	- ارائه بستر و زمینه جهت تصمیم‌گیری
۲. پرداختن به جزئیات	- نسبتاً با جزئیات	- نسبتاً بدون جزئیات
۳. جایگاه سازمانی	- در مراجع رسمی سیاست‌گذاری	- خارج مراجع رسمی سیاست‌گذاری
۴. مؤلفه زمانی	- نسبتاً محدود	- نسبتاً نامحدود
۵. ورود به تنازعات قدرت	- زیاد	- کم
۶. افق زمانی	- ۵ یا ۱۰ ساله	- از ۱۰ سال به بالا
۷. تکنیک	- داده‌محور، تحلیلی، تکنیک‌های کمی	- تصویرسازی، شهود، دانش ضمنی
۸. نحوه انتشار	- داخلی، گاهی عمومی	- عمومی، گاهی داخلی
۹. ارزیابی	- عملکرد محور	- پیش‌بینی محور

۲-۲- تفاوت آینده‌پژوهی و تحلیل‌های سیاستی

آینده‌پژوهی زمانی که به تحلیل سیستم‌ها می‌پردازد به فهم بهتر اثرات تصمیمات سیاستی کمک می‌کند. از نظر بسیاری، آینده‌پژوهی به معنای تحلیل بلندمدت سیاست‌ها است و نباید رشته مجزایی تلقی گردد. این در حالی است که نقاط تمایز جدی میان آینده‌پژوهی و تحلیل‌های سیاستی وجود دارد:

- ❖ آینده‌پژوهی با زیر سؤال بردن مفروضات اولیه، به خلق آینده‌های بدیل می‌پردازد.
- ❖ تحلیل سیاستی به تحلیل اعتبار سیاست‌های مشخص می‌پردازد و شاکله کلی تصمیم‌گیری را زیر سؤال نمی‌برد [۱۶].
- ❖ در برنامه‌ریزی و تحلیل سیاستی، دستیابی به یک سیاست مشخص مد نظر است و الفاظی مانند «آماده شدن برای آینده» یا «پاسخگویی به چالش آینده» زیاد مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واقع، برخلاف آینده‌پژوهی که به چندین آینده متصور قائل است، این دو آینده را واحد و مقید می‌بینند. این در حالی است که آینده‌پژوهی زمان را از قیود عقلانیت ابزاری می‌رهاند و با به تصویر کشیدن آینده‌های بدیل، سعی در توسعه ظرفیت‌های نهادی و سازمانی برای خلق آینده دلخواه دارد [۱۶].

۳- ضرورت آینده‌پژوهی

تغییرات سریع دنیای امروز و توسعه پرشتاب جوامع، فناوری، نهادها و خدمات به طور قطع در آینده هم ادامه خواهد یافت. تمام این تغییرات با افزایش «رقابت» همراه هستند. این امر به معنای ضرورت هم‌خوانی میان برنامه‌ها و محیط اجرای برنامه است. تمام فرصت‌ها، موفقیت‌ها و منافع و همچنین تمام شکست‌ها و زیان‌ها در «آینده» محقق خواهند شد. با ظهور فناوری‌های جدید، تغییر بازار، تغییر مقررات یا ظهور ارزش‌های

اجتماعی جدید، پیوندهای جاری پیشین بین ما و دنیای پیرامون از هم خواهد گسست. به اعتقاد وندل بل، تغییرات فناوری به تغییر در نهادهای اقتصادی می‌انجامد و تغییر در نهادهای اقتصادی به تغییر در نهادهای اجتماعی منجر می‌گردد. با تغییر نهادهای اجتماعی، فلسفه اجتماعی مردم که شامل ارزش‌ها و باورهای آنها است تغییر خواهد کرد. توالی این تغییرات ماهیت دورانی دارد و فلسفه‌های اجتماعی، نهادهای اجتماعی و فناوری‌های خود را می‌طلبند.

به منظور دستیابی به تناسب‌های جدید میان برنامه‌ها و آینده متغیر فردا باید بتوان تصویری از آینده پیش‌رو داشت. پیش‌بینی‌های خوب کمک می‌کنند ابهامات آینده کمتر شود و سازمان‌ها بتوانند خود را با رخدادهای آینده تطبیق دهند. در دنیای امروز، حوزه‌های تخصصی بسیاری وجود دارند و یک نفر نمی‌تواند در تمام حوزه‌ها از بهداشت گرفته تا حمل‌ونقل و آموزش آینده را پیش‌بینی کند [۷].

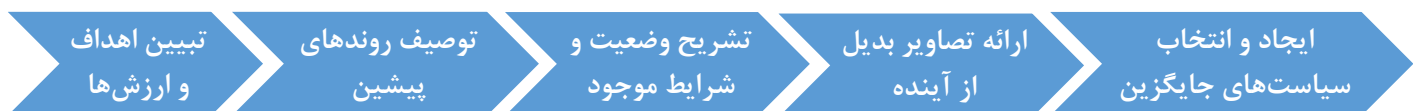
۴- اهداف آینده‌پژوهی

هدف اصلی آینده‌پژوهی، حفظ و افزایش رفاه بشر و ارتقاء ظرفیت‌های بقاء روی کره زمین است. این هدف غایی در آینده‌پژوهی از طریق مطالعه آینده‌های بدیل انجام می‌شود. در آینده‌پژوهی تلاش می‌شود با ارائه تصاویری از آینده‌های مختلف، سه دسته آینده بهتر شناخته شوند [۷]:

- ۱- آینده‌های ممکن / امکان‌پذیر: آینده‌های ممکن که می‌توانند رخ دهند.
- ۲- آینده‌های محتمل / رخ‌دادنی: آینده‌هایی که وقوع آنها احتمال بیشتری دارد.
- ۳- آینده‌های مطلوب: آینده‌های دلخواهی که باید خلق شوند.

شناسایی عوامل تغییر شرایط از نگاه آینده‌پژوه مخفی نمی‌ماند. تغییرات محیط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظم اجتماعی در ارزیابی‌های آینده‌پژوه مورد توجه قرار دارد. بر این اساس، کار آینده‌پژوه را می‌توان به صورت زیر مرحله‌بندی کرد [۷]:

شکل ۱- مراحل کار آینده‌پژوه



از دیگر اهداف آینده پژوهی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- هدف نخست مطالعات آینده پژوهی پرداختن به زمان «حال» است. زیرا اقدامات زمان حال است که آینده را شکل می دهد. بر این اساس، آینده پژوهی به ما می گوید که در زمان «حال» چه باید بکنیم.
- ۲- هدف دوم مطالعات آینده پژوهی «شناخت موقعیت فعلی» است. سرعت تغییرات ممکن است ما را از تشخیص موقعیت حال در برابر گذشته نزدیک غافل سازد. برای نمونه، لیوانی که هفته پیش پر بوده اکنون نیمه پر است. این لیوان روز گذشته تا دوسوم پر بوده است، اما امروز نیمه خالی است و شاید فردا کاملاً خالی باشد. این آگاهی به ما کمک می کند اقدام لازم را برای آینده انجام دهیم.
- ۳- هدف سوم آینده پژوهی، «ایجاد توازن بین مطالبات فعلی و مطالبات آتی» جوامع است. در واقع، دو حالت بین نسل حال و نسل آینده اتفاق می افتد. یا افراد در زمان حال، خود را از بعضی چیزها محروم می کنند تا به انتظارات آتی پاسخ دهند؛ یا از آینده وام می گیرند و بیش از ظرفیت های فعلی خرج می کنند [۷].

۵- فرضیات آینده پژوهی

هر مطالعه ای بر مبنای فرضی استوار است که برخی صراحتاً عنوان می شوند و بسیاری دیگر به صورت نانوشته و بدیهی در جریان هستند. پیش فرض های اساسی آینده پژوهی در دو بخش عمومی و خاص به شرح جدول ۲ قابل ملاحظه هستند [۷]:

جدول ۲- فرضیات آینده پژوهی

الف) فرض های عمومی آینده پژوهی	
۱. افراد پروژه محور هستند:	- فعال، مصمم و هدف گرا هستند. - پروژه هایی تعریف و برای رسیدن به آن تلاش می کنند.
۲. الگوهایی به طور مستمر در جامعه تکرار می شوند:	- الگوهای رفتاری مکرر که تابع زمان، مکان، خاطرات، انتظارات، امیدها و ترس ها هستند تکرار می شوند. - جامعه بر اساس عمل، عکس العمل و تعامل افراد هر روزه ساخته می شود.
ب) فرض های خاص آینده پژوهی	
۱. زمان به صورت خطی و بی بازگشت پیش می رود.	- روندهای زیستی و تکاملی مؤید این نکته اند.
۲. در آینده ممکن است چیزی به وجود آید که الزاماً در حال یا گذشته موجود نبوده است.	- امکان ظهور افکار و عکس العمل های جدید در آینده وجود دارد.
۳. تفکر معطوف به آینده برای اقدامات فعلی اساسی است.	- برای اهداف آینده، امروز باید وارد عمل شد.
۴. آینده به طور کامل از پیش تعیین شده نیست.	- آینده جبری نیست.

(ب) فرض‌های خاص آینده‌پژوهی	
- تصمیمات امروز افراد بر آینده تأثیرگذار است.	۵. آینده متأثر از رفتارها و تصمیمات فردی و جمعی افراد جامعه است.
- آینده‌پژوهان دنیا را شبکه‌ای به هم مرتبط می‌بینند که به طور مجزا از هم عمل نمی‌کند.	۶. درک آینده مستلزم دیدگاه کل‌نگر و همه‌جانبه است.
- مطالعه، ارزیابی و تدوین معیارهایی که مردم برای آینده-های مطلوب دارند ضروری است.	۷. تعدادی از آینده‌ها بهتر از بقیه هستند.
- اراده و اقدامات بشر بر اساس مطالعه حال و گذشته می‌تواند آینده را تغییر دهد یا در صورت عدم امکان تغییر عوامل غیرقابل کنترل، بشر را برای مواجهه با آنها سازگار می‌کند.	۸. مفیدترین دانش، آگاهی نسبت به آینده است.
- آینده در قالب احتمالات مطالعه می‌شود و گذشته در قالب واقعیات.	۱۰. شناخت انسان از آینده کامل نیست.

۶- سیر تکاملی آینده‌پژوهی

در خلال جنگ جهانی دوم، نیاز به تغییرات برنامه‌ریزی‌شده برای سازمان‌دهی اقتصادی و اجتماعی جامعه در هر دو عرصه نظامی و داخلی موجب شد کشورهای درگیر در جنگ به برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت برای آینده روی آورند. در این زمان حجم زیادی از وظایف مدیریتی در ارتباط با فراخوان نیروهای نظامی، آموزش، اعزام، تهیه پوشاک، خانه‌سازی و آذوقه‌رسانی به میلیون‌ها زن و مرد باید انجام می‌شد. برنامه‌ریزی در تمام صنایع و پیش‌بینی در خصوص میزان مورد نیاز تولید مواد اولیه، تأمین نیروی انسانی، غذا و زمان و مکان انتقال آنها نیاز به سازماندهی داشت. موارد خردتری نظیر سهمیه‌بندی بنزین مصرفی به گونه‌ای که پاسخگوی نیازهای نظامی و مصرف روزانه مردم باشد نیز نیاز به برنامه‌ریزی و پیش‌بینی داشت که همگی باید در تصمیمات اقتصادی لحاظ می‌شدند. با پایان جنگ جهانی دوم، برنامه‌ریزی در مقیاس ملی مورد توجه قرار گرفت. کنترل‌های اقتصادی زمان جنگ در ارتباط با مواد اولیه، کالاهای مصرفی و ارز به اعتبار یافتن برنامه‌ریزی در اقتصاد انجامید. مخارج عمومی دولت چندین سال پیش‌تر مورد ارزیابی قرار می‌گرفت و اهداف رشد اقتصادی در آنها منظور می‌شد. راهبردهای دستیابی به توسعه اقتصادی نیز در برنامه‌ها گنجانده شد. انگلیس، نروژ، هلند و فرانسه نیز به برنامه‌ریزی‌های عمومی روی آوردند [۷]. گرایش کشورها به برنامه‌ریزی‌های ملی، مقدمه‌ای برای شکل‌گیری آینده‌پژوهی در دهه‌های بعدی شد.

در یک دسته‌بندی کلی، می‌توان سیر تکامل آینده‌پژوهی را به سه دوره تقسیم نمود (جدول ۳) [۱۸].

جدول ۳- مراحل تکوین تاریخی آینده پژوهی

ادوار تاریخی آینده پژوهی	ویژگی ها
دوره نخست (۱۹۴۰-۱۹۵۰)	<ul style="list-style-type: none"> • دوره اثبات گرایی، دوره طلایی برنامه ریزی • توسعه روش های کمی • ایجاد ظرفیت در فناوری اطلاعات و ارتباطات • رشد اقتصادی • شهرسازی • صنعتی سازی • جهانی شدن • تغییر فهم بشر از کارکرد سیستم ها به مدد یافته های جدید در علوم پایه و علوم زیستی • آگاهی بشر از شرایط جوی پایه در پیش بینی های هواشناسی • شکل گیری شیوه های جدید تفکر سیستمی غیر مکانیکی <p style="text-align: center;"></p> <ul style="list-style-type: none"> ❖ افزایش نیاز به برنامه ریزی بلندمدت و سازمان یافته ❖ افزایش نیاز به آینده نگری روندها ❖ افزایش نیاز به پیش بینی های فنی و ارزیابی آینده
دوره دوم (۱۹۶۰-۱۹۷۰)	<ul style="list-style-type: none"> • توجه به پیامدهای بلندمدت رشد جمعیت، رشد اقتصادی، جنبش های اجتماعی • تهدیدهای جنگ هسته ای و بحران انرژی <p style="text-align: center;"></p> <ul style="list-style-type: none"> ❖ رشد مطالعات آینده پژوهی
دوره سوم (۱۹۸۰ تاکنون)	<ul style="list-style-type: none"> • توقف شکل گیری روش های آینده نگری جدید • تثبیت جایگاه مطالعات آینده پژوهی و هویت بخشی به این حوزه <p style="text-align: center;"></p> <ul style="list-style-type: none"> ❖ ارائه تعاریف دقیق تر از آینده پژوهی ❖ تمرکز بر ماهیت آینده پژوهی و نقش آینده پژوهان

۷- دامنه مطالعات آینده پژوهی

اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه شناسی، مهندسی، پزشکی، زیست شناسی، شیمی و فیزیک بنیان های نظری آینده پژوهی را تشکیل می دهند. البته، آینده پژوهان غربی تمایل بیشتری به حوزه فناوری دارند تا پژوهش های

نظری. مطالعات آینده‌پژوهی می‌خواهد به حل مشکلات برنامه‌ریزی راهبردی بپردازد. در زیر، تعدادی از چالش‌هایی که در کانون مطالعات آینده‌پژوهی قرار دارند ذکر شده‌اند [۲۲]:

- تغییرات آتی محیط خارجی بنگاه (یعنی اقتصاد، بازار و صنعت)
- تأثیر فناوری‌های جدید بر ظرفیت‌های آتی بنگاه
- تغییر استانداردهای موفقیت و پایش محیط خارجی بنگاه
- تغییرات جمعیت‌شناختی
- تغییر در توازن قدرت نظامی
- تغییر در معادلات اقتصادی چندملیتی
- تحلیل رفتن منابع طبیعی
- تغییر در منابع انرژی‌های جایگزین
- فناوری‌های نوظهور
- هوش مصنوعی
- زیست‌مهندسی
- زیرساخت‌های ناکارآمد

حوزه‌های اصلی آینده‌پژوهی در جدول ۴ نمایش داده شده است [۱۹]:

جدول ۴- حوزه‌های اصلی آینده‌پژوهی و نهادهای اجرایی و رشته‌های دانشگاهی مربوطه

رشته دانشگاهی مربوطه	مراجع ذی‌ربط	حوزه آینده‌پژوهی
روابط بین‌الملل	وزارت امور خارجه	۱. آینده (های) جهان
اقتصاد/ حقوق / مدیریت اجرایی	وزارت اقتصاد / دارایی / بازرگانی	۲. اقتصاد جهان
جغرافی / انسان‌شناسی	وزارت امور خارجه	۳. ملل و مناطق
مطالعات صلح	وزارت دفاع	۴. امنیت
محیط زیست	وزارت کشور/ نیرو / محیط زیست	۵. محیط زیست/ منابع طبیعی
کشاورزی	وزارت کشاورزی / غذا و دارو	۶. غذا و کشاورزی
جامعه‌شناسی / مطالعات ادیان	مرکز آمار	۷. جامعه و مذهب
علوم سیاسی	وزارت بودجه	۸. حاکمیت
اقتصاد / بازرگانی	وزارت اقتصاد / بازرگانی	۹. اقتصاد / بازرگانی
جامعه‌شناسی	وزارت کار	۱۰. اشتغال
برنامه‌ریزی/ معماری / شهرسازی	وزارت مسکن و شهرسازی	۱۱. شهرها
حقوق / جرم‌شناسی	وزارت دادگستری	۱۲. جرایم / عدالت
پزشکی / دندانپزشکی	وزارت بهداشت	۱۳. سلامت
روزنامه‌نگاری / هنر / علوم رایانه	وزارت فرهنگ	۱۴. ارتباطات
علوم پایه / زیست / مهندسی	وزارت علوم	۱۵. علم و فناوری
آینده‌پژوهی / مطالعات سیاست‌گذاری	تمام نهادهای فوق‌الذکر	۱۶. طراحی آینده

۸- نمونه‌هایی از مراجع و تجربیات آینده‌پژوهی در دنیا

با افزایش ناامنی‌ها در جهان، حداقل براساس آنچه بشر ناامن تلقی می‌کند، آینده‌پژوهی به بخشی از کار تیم‌های مدیریت و واحدهای برنامه‌ریزی در تمام سازمان‌ها تبدیل شده است [۱۶]. در زیر نمونه‌هایی از مراجع آینده‌پژوهی بین‌المللی و مطالعات کشوری موفق در این زمینه ذکر شده است.

۸-۱- مراجع بین‌المللی آینده‌پژوهی

۸-۱-۱- اندیشکده رم

اندیشکده رم یک اندیشکده بین‌المللی است که در سال ۱۹۶۸ در سوئیس تأسیس شد. این اندیشکده اکنون در بیش از ۳۰ کشور انجمن دارد. اندیشکده رم، با دغدغه اندیشیدن به چالش‌های جهانی پیش روی بشر و ارائه راه‌حل، به مطالعه مجموعه متنوعی از مسائل کلان جهان می‌پردازد. برای حل این معضلات، این اندیشکده یا باشگاه، مجموعه‌ای از اندیشمندان، اقتصاددانان، بازرگانان و مقامات اجرایی کشورها را گرد هم می‌آورد [۵]. اندیشکده رم در اوایل دهه هفتاد میلادی گزارشی را منتشر نمود که در آن هرمان کان^۲ (پدر سناریوسازی در پژوهش آینده‌گرا و تحلیل‌های سیاست‌گذاری) فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را پیش‌بینی کرده بود [۲۰]. اقتصاد، مسائل اجتماعی، سیاسی، فناوری، محیط زیست، روانشناسی، و مسائل فرهنگی، حوزه‌های مورد مطالعه این اندیشکده را تشکیل می‌دهند [۵].

۸-۱-۲- مؤسسه رند^۳

در سال ۱۹۴۸ یعنی پس از جنگ جهانی دوم، مؤسسه رند در آمریکا تأسیس گردید تا برنامه‌ریزی نظامی این کشور را با تصمیمات تحقیق و توسعه ارتباط دهد. این مؤسسه به پیشبرد اهداف علمی، آموزشی و خیریه برای رفاه عمومی و امنیت آمریکا می‌پرداخت. در سال‌های بعد این مؤسسه دامنه فعالیت‌های خود را از آمریکا گسترش داد تا به افزایش امنیت، بهداشت و رفاه جوامع کمک کند [۱]. کارهای اولیه این مؤسسه اساس تحلیل‌های اقتصادی آن را در سال‌های اخیر تشکیل می‌دهد. رند در حال حاضر با رویکردی چندرشته‌ای به بررسی فرصت‌های توسعه اقتصادی می‌پردازد تا راه‌حل‌های سیاستی برای اقتصادهای کشورها و جهان ارائه دهد [۱۴].

¹ The Club of Rome

² Herman Kahn

³ RAND Corporation



۳-۱-۸- مؤسسه هادسون^۱

مؤسسه هادسون در سال ۱۹۶۱ توسط هرمان کان در آمریکا تأسیس شد. این مؤسسه از طریق انجام مطالعات بین‌رشته‌ای قصد دارد آینده بهتری را برای جهان رقم بزند. اقتصاد، امور دفاعی، روابط بین‌الملل، فرهنگ، علوم، فناوری و حقوق، زمینه‌های فعالیت این مؤسسه را تشکیل می‌دهند. مؤسسه هادسون از طریق برگزاری کنفرانس، انتشار گزارش، توصیه‌ها و خلاصه‌های سیاستی به راهنمایی سیاست‌گذاران، فعالان اقتصادی و رهبران دولت‌ها می‌پردازد [۲].

۴-۱-۸- فدراسیون جهانی آینده‌پژوهی^۲

فدراسیون جهانی آینده‌پژوهی در سال ۱۹۷۳ به عنوان نهاد مشاور یونسکو و سازمان ملل در پاریس بنیان نهاده شد. این شبکه بین‌المللی در زمینه آینده‌پژوهی آموزش، علم، فرهنگ، هنر، اجتماع و سیاست فعالیت دارد [۳].

۲-۸- مراجع ملی آینده‌پژوهی

۱-۲-۸- دانمارک، استرالیا، فنلاند

علاوه بر مؤسسات بین‌المللی، بسیاری از کشورها اقدام به ایجاد مراکز جهت آینده‌پژوهی در زمینه‌های مختلف کرده‌اند. از این میان، مراجع آینده‌پژوهی ۳ کشور دانمارک، استرالیا و فنلاند که در زمینه اقتصاد فعالیت دارند در جدول ۵ به نمایش درآمده است.

¹ Hudson Institute

² World Futures Studies Federation (WFSF)

جدول ۵- نمونه‌هایی از مراجع آینده‌پژوهی فعال در زمینه اقتصاد در سه کشور

کشور	مراجع آینده‌پژوهی	سال تأسیس	زمینه فعالیت
۱. دانمارک	- مؤسسه آینده‌پژوهی کپنهاگ ^۱	- ۱۹۷۰	- اقتصاد، علوم سیاسی، قوم‌نگاری، روانشناسی، مهندسی، جامعه‌شناسی، روابط عمومی
۲. استرالیا	- بنیاد آینده ^۲	- ۱۹۹۶	- اقتصاد، آموزش، سیاست، صنعت
۳. فنلاند	- آکادمی آینده فنلاند ^۳	- ۱۹۹۸	- اقتصاد، محیط زیست، اجتماعی، فرهنگی

Sources:

1. www.cifs.dk,

 2. <http://www.futuresfoundation.org.au> & <http://www.futuresfoundation.org.au/about-the-futures-foundation/> ,

 3. <http://www.utu.fi/en/units/ffa/about/Pages/home.aspx> &

<https://www.utu.fi/en/units/ffrc/studying/FFA/Pages/home.aspx> &

<https://www.utu.fi/en/units/ffrc/studying/sustainable/Pages/home.aspx>

۲-۲-۸- تجربه مالزی در آینده‌پژوهی

مالزی یکی از کشورهای است که مطالعه تاریخچه آن نشان می‌دهد طی سال‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۸ با طراحی آینده‌های بدیل، در ۴ دوره برای توسعه برنامه‌ریزی کرده است. این ادوار چهارگانه که همگی تحقق یافته‌اند در زیر تشریح شده‌اند:

۱- مالزی در سال ۱۹۷۵ چشم‌انداز مالزی ۲۰۰۱ را طراحی کرد. این کشور در ۱۹۷۵ با برپایی کارگاهی که آینده‌پژوهان را گرد هم می‌آورد، طیف مختلفی از مسائل داخلی و جهانی را مورد بررسی قرار داد. این کشور تأکید نخست خود را بر اقتصاد گذاشت و دولت سیاست اقتصادی جدید خود را اجرا کرد. مردم مالزی نیز خواهان آن بودند که در سال ۲۰۰۱ بتوانند سهم خود را از اقتصاد کشور برداشت کنند. باقی ارزش‌ها بر مبنای این ارزش اقتصادی تنظیم شد. مطالعات آینده‌پژوهی این کشور حاکی از آن بود که مالزی به منظور حل پاره‌ای از چالش‌های مورد پیش‌بینی در سال ۲۰۰۱ باید اقتصاد خود را تقویت کند، کیفیت نظام آموزشی کشور را ارتقاء بخشد و خود را برای مواجهه با تغییرات آماده سازد.

۲- در سال ۱۹۹۴، مالزی کنفرانسی را با همکاری فدراسیون جهانی آینده‌پژوهی برگزار کرد تا تصاویری از آینده‌های بدیل جنوب شرق آسیا، به ویژه مالزی به دست دهد. در این کنفرانس ضمن بررسی آینده‌های بدیل،

¹ The Copenhagen Institute for Futures Studies

² The Futures Foundation

³ Finland Futures Academy

مسائلی که می توانست محیط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مالزی را دستخوش تغییر کند به بحث گذاشته شد و آینده مطلوب مورد اجماع قرار گرفت. مالزی در این زمان خود را برای مالزی ۲۰۲۰ مهیا می کرد.

۳- در سال ۲۰۰۵، مالزی سناریوهای آموزش عالی خود را در قالب برگزاری کارگاهی مورد بررسی قرار داد. در این کارگاه، آینده آموزش عالی مالزی از طریق پیش نگر رخدادهای و روندها، بررسی تأثیر هر یک از رخدادهای و روندها و تعمیق درک از آینده آموزش عالی مالزی به تصویر کشیده شد. در آخر، ۵ سناریوی مختلف برای آینده آموزش عالی این کشور در سال ۲۰۲۵ طراحی شد.

۴- در سال ۲۰۰۸، مالزی به دنبال ترسیم آینده علم و فناوری خود بود. مالزی در این سال کارگاهی را برگزار نمود تا جایگاه خود را در نوآوری و فناوری در قیاس با دنیا ارزیابی کند. این کارگاه فرصت جدیدی را فراهم آورد تا سیاست گذاران، جامعه علم و فناوری و عموم مردم به درک بهتری از روندهای نوآوری جهانی دست پیدا کنند. این کارگاه با طراحی سناریوهایی برای آینده علم و فناوری در مالزی ۲۰۲۰ پایان یافت [۶].

۹- آینده پژوهی در ایران

با وجود آنکه انتشار نخستین پژوهش ها و کتاب های آینده پژوهی در ایران به دهه ها پیش بازمی گردد، اما عمر این شاخه از علم در سیاست گذاری ها و مباحث دانشگاهی و فکری ایران بسیار کوتاه است. البته، رشد آن در سال های اخیر شتاب یافته است. به دلیل وجود موانع در بومی سازی نظری و فناورانه آینده پژوهی در ایران، پیشگامان این عرصه به روش آزمون و خطا و یادگیری از طریق انجام روی آورده اند [۲۱].

پیشینه آینده پژوهی در ایران به معنای واقعی کلمه که به مطالعه چندین آینده متصور اطلاق می شود، به پس از انقلاب اسلامی بازمی گردد. فعالیت های آینده نگر و بلندمدتی که پیش از انقلاب اسلامی انجام می شد، با آنکه ماهیت توسعه گرا داشتند اما چندین آینده مختلف را که هدف اصلی آینده پژوهی است به تصویر نمی کشیدند. علاوه بر آنکه خود شاخه آینده پژوهی در آن سال ها رشد امروز را نیافته بود. اما دلایل دیگری را می توان برای عدم رشد این گرایش در ایران پیش از انقلاب برشمرد. پیش از انقلاب اسلامی، متولی بیشتر برنامه ریزی ها تکنوکرات های آموزش یافته آمریکا بودند که با رویکرد مهندسی و فنی به برنامه ریزی های توسعه گرا می پرداختند و کمتر با گرایش های انسانی و اجتماعی برنامه ریزی آشنایی داشتند. از سوی دیگر، حداقل در سال های ابتدایی سلطنت پهلوی او به دنبال نسخه هایی از توسعه گرایی بود که از سوی شرکای غربی تجویز می شد [۲۱].

پس از انقلاب اسلامی، نخستین تلاش‌ها برای کاربست آینده‌پژوهی در نهادهای دولتی، در وزارت دفاع و با تشکیل مؤسسه پژوهشی با عنوان مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی شکل گرفت که به مطالعات آینده-پژوهی در زمینه دفاعی می‌پرداخت. به تدریج مطالعات آینده‌پژوهی در نهادهای دیگری چون وزارت نفت، ارتباطات و نیرو نیز شکل گرفت. با افزایش دانش پژوهان و علاقه‌مندان به آینده‌پژوهی، تعدادی از مراکز آموزش عالی نیز به طور رسمی آینده‌پژوهی را به عنوان رشته دانشگاهی در برنامه‌های آموزشی خود قرار داده‌اند. با این حال، آینده‌پژوهی در تصمیم‌گیری‌ها در ایران جایگاه جدی‌ای به خود اختصاص نداده است [۲۱]. با توجه به تحولات روزافزون فناوری، جهانی شدن اقتصاد، تحولات زیست‌محیطی و ظهور قدرت‌های جدید در دنیا، در کنار مسئله تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، به نظر می‌رسد در سال‌های پیش‌رو دانایی کالایی خواهد بود که بهره‌برداری از آن در زمان مناسب، آینده کشور را به سمت دلخواه هدایت خواهد کرد. در این راستا، استفاده از ظرفیت‌های آینده‌پژوهی در شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها باید بیش از پیش در کشور مورد توجه قرار گیرد.

۱۰- جمع‌بندی

آینده‌پژوهی بر مبنای روندهای گذشته و جاری و بر پایه شناخت شرایط، حدس‌ها و فرضیاتی را در قالب مطلوب‌ها و بایدهای آینده مطرح می‌کند. این حدس‌ها می‌توانند مانند چراغ راهنما ما را به سوی آینده‌ای بهتر هدایت نمایند و از آینده‌های نامطلوب حفظ کنند. بررسی روندهای گذشته و ساختار فعلی جامعه به آینده‌پژوه کمک می‌کند چشم‌انداز آینده را ترسیم کند. آینده‌های احتمالی از منظرهای گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قابل بررسی هستند. یکی از پیش‌فرض‌های آینده‌پژوهی اذعان به وجود آینده‌های متعدد است. برخی از آینده‌ها امکان‌پذیر هستند. برخی دیگر امکان وقوع بیشتری دارند که به آینده‌های رخ‌دادنی یا محتمل موسوم هستند. بهینه‌ترین آینده نیز که حصول آن هدف اصلی آینده‌پژوهی را تشکیل می‌دهد، آینده دلخواه یا مطلوب نامیده می‌شود. بر این اساس، کار آینده‌پژوه را می‌توان به حدس حالات ممکن آینده، ارزیابی آینده محتمل و انتخاب آینده مطلوب تقسیم کرد. بررسی پیامدهای تصمیمات کنونی بر آینده‌های مختلف را در این مسیر نباید از نظر دور داشت. در مجموع، با توجه به امکانات و ظرفیت‌هایی که آینده‌پژوهی فراهم می‌آورد و اقبال جامعه جهانی به کاربست چارچوب‌های آن در سیاست‌گذاری‌ها، استفاده از آینده‌پژوهی در شرایط فعلی کشور که چالش‌های اقتصادی مختلفی را پیش رو دارد، به منظور اجتناب از رخدادهای ناخوشایند و حصول بهترین آینده ممکن ضروری به نظر می‌رسد.

- [1] *A Brief History of RAND*. (2018, April 27). Retrieved from Rand Corporation: <https://www.rand.org/about/history/a-brief-history-of-rand.html>
- [2] About. (2018, May 1). Retrieved from Hudson Institute: <https://www.hudson.org/about>
- [3] *About Futures Studies*. (2018, May 1). Retrieved from World Futures Studies Federation: <https://www.wfsf.org/>
- [4] *About the Futures Foundation*. (2018, April 28). Retrieved from <http://futuresfoundation.org.au/about-the-futures-foundation/>
- [5] *About Us*. (2018, April 22). Retrieved from <https://www.clubofrome.org/about-us/>
- [6] Azhari-Karim. (2008). The Next 50 Years for Malaysia: An Inquiry Using Alternative Futures Methods. *Futures Studies*, 43-56.
- [7] Bell, W. (1996). What Do we Mean by Futures Studies? In R. A. Slaughter, *New Thinking for a New Millennium* (pp. 3-25). London: Routledge.
- [8] Bell, W. (2009). *Foundations of Futures Studies: History, Purposes, and Knowledge- Volume 1: Human Science for a New Era*. New Brunswick (U.S.A.) and London (U.K.): Transaction Publishers.
- [9] Blackburn, S. (1996). *The Oxford Dictionary of Philosophy*. England: Oxford.
- [10] Clifton Smith, D. J. (2013). *Security Science: The Theory and Practice of Security*. USA: Butterworth-Heinemann.
- [11] Copenhagen Institute for Futures Studies: <http://cifs.dk/about-us/history/>
- [12] Dator, J. (1997). *Futures Studies as Applied Knowledge*. Retrieved from <http://www.benlandau.com/wp-content/uploads/2015/06/Dator-Applied-knowledge.pdf>
- [13] Dator, J. A. (2002). *Advancing Futures: Futures Studies in Higher Education*. Virginia: Greenwood Publishing Group.
- [14] *Economic Development*. (2018, April 26). Retrieved from Rand Corporation: <https://www.rand.org/topics/economic-development.html>
- [15] *Futures Studies at Finland Futures Academy*. (2018, May 4). Retrieved from Finland Futures Academy: <https://www.utu.fi/en/units/ffrc/studying/FFA/Pages/home.aspx>
- [16] Inayatullah, S. (2018, April 10). Retrieved from Futures Studies: Theories and Methods: <https://www.bbvaopenmind.com/en/article/futures-studies-theories-and-methods/>
- [17] Khakee, A. (1988). Relationship between Futures Studies and Planning. *European Journal of Operational Research* 33, 200-211.
- [18] Kuosa, T. (2011). Evolution of Futures Studies. *Futures* 43, 327-336.
- [19] Marien, M. (2002). Futures Studies in the 21st Century: A Reality-based View. *Michael Marien*, 261-281.



- [20] Masini, E. B. (2002). A Vision of Futures Studies. *Futures* 34, 249–259.
- [21] Paya, A., & Shoraka, H.-R. B. (2010). Futures Studies in Iran: Learning through Trial and Error. *Futures* 42, 484–495.
- [22] Roney, C. W. (2010). Intersections of Strategic Planning and Futures Studies: Methodological Complementarities. *Futures Studies* 15 (2), 71 - 100.
- [23] Sardar, Z. (2010). The Namesake: Futures; Futures Studies; Futurology; Futuristic; Foresight—What’s in a name? *Futures* 42, 177–184.
- [24] *What is the FFA?*. (2018, May 4). Retrieved from Finland Futures Academy:
<https://www.rand.org/topics/economic-development.html>